

بررسی روند مشارکت شیعیان عراق در ساختار قدرت سیاسی این کشور از ۲۰۰۳ تاکنون و تاثیر آن بر نفوذ منطقه‌ای ایران

مهران شیرازی

دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

محمد اخباری^۱

گروه جغرافیا، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مجید ولی شریعت پناهی

دانشیار جغرافیای روستایی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱/۷

چکیده

پس از فروپاشی رژیم بعث عراق این کشور به دورانی گام نهاد که مهم‌ترین ویژگی آن به قدرت رسیدن بازیگران داخلی جدید در ساختار سیاسی است. با توجه به تغییرات پیش آمده در کشور عراق پس از سال ۲۰۰۳، شیعیان که در طول تاریخ عراق در موضع ضعف قرار داشتند توانستند نفوذ قابل توجهی در ساختار دولت عراق به وجود آورند. هدف اصلی از انجام این پژوهش عبارت است از بررسی روند مشارکت شیعیان عراق در ساختار قدرت سیاسی این کشور از ۲۰۰۳ تاکنون و تاثیر آن بر نفوذ منطقه‌ای ایران است. سوال اصلی رساله این است که مشارکت شیعیان عراق در ساختار قدرت سیاسی این کشور از ۲۰۰۳ تاکنون چگونه بوده و تاثیر آن بر نفوذ منطقه‌ای ایران تا چه اندازه حائز اهمیت است؟ این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و براساس منابع کتابخانه‌ای نگاشته شده است. نتایج مقاله نشان می‌دهد که ساختار قدرت سیاسی در عراق بعد از ۲۰۰۳ زمینه‌کنشگری شیعیان عراق را در کنار سایر گروه‌ها فراهم کرده است. شیعیان عراق از تاثیر گذارترین گروه‌های سیاسی در عرصه سیاسی عراق خواهند بود. پیوند فرهنگی و مذهبی شیعیان ایران و عراق می‌تواند ابزارهای نرم نفوذ منطقه‌ای ایران را تسهیل نماید.

کلمات کلیدی: نفوذ منطقه‌ای، شیعیان عراق، ایران، مشارکت سیاسی.

مقدمه

شیعیان در قالب احزاب و گروه‌های سیاسی - مذهبی - مدنی اهداف خود را پیش می‌برند و اگرچه در بسیاری از جزئیات اهدافشان با هم اختلاف دارند ولی در اصل کلی هویت‌سازشان با هم متحد و متفقند و در سایه آموزه‌های دینی به دنبال معنادگی به سیاست آینده کشورشانند. با اینکه عراق گاهواره تشیع و در برگیرنده مکان‌های مقدس زیارتی است و با وجود اکثریت بودن شیعیان در عراق، از لحاظ سیاسی شیعه طی سالیانی دراز در این کشور در اقلیت بوده است. جمعیت‌های شیعی همواره تحت سلطه قدرت‌های سیاسی حاکم بر بغداد می‌زیستند. رژیم صدام از بدو شکل‌گیری، فشارهای مضاعفی را بر شیعیان عراق وارد آورد. به رغم وجود اکثریت شیعه در ترکیب ارتش و بسیاری نهادهای دولتی، شیعیان همواره از دستیابی به مناصب بالا و کلیدی محروم بودند. سیاست رژیم بعث عراق در خصوص محدودسازی شیعیان در ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی مورد حمایت کشورهای عربی و قدرت‌های بین‌المللی قرار داشت. ولی پس از سقوط صدام حصر سیاسی و اجتماعی شیعیان پایان یافت به طوری که امروزه آینده عراق با مساله شیعه گره خورده است. شیعیان بزرگترین گروه جمعیتی عراق را تشکیل می‌دهند. بنابر اعلان برخی منابع جمعیتی، دست کم ۶۰ درصد جمعیت عراق را شیعیان تشکیل می‌دهند که اگرچه در دوران معاصر و در نظام‌های حکومتی عراق، نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی نداشته‌اند، اما علاوه بر نفوذ جامعه عراق، تاثیرات فراوانی در حیات فکری و رشد و پیشرفت علمی، اقتصادی و اجتماعی این کشور داشته‌اند.

پس از سرنگونی رژیم صدام شیعیان به خوبی توانستند با اتکا به مولفه‌های قدرت خود از فرصت پیش آمده بهره‌برداری کنند و حضور سیاسی خود را در عراق گسترش و تعمیق دهند. به طوری که امروزه هیچ جریانی نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن شیعیان در عراق نقش آفرینی کند و بدون ملاحظات ساختار توزیع قدرت سیاسی در عراق که شیعیان در آن برجستگی فراوانی دارند، تاثیرگذار باشد. شیعیان بیش از هر چیز، بر توسل به قواعد و شیوه‌های دموکراتیک به منظور پیشبرد روند سیاسی عراق تاکید کرده‌اند. از دید طیفی از ناظران مسائل عراق، عامل اصلی گرایش و تاکید رهبران شیعی بر قواعد و راهکارهای دموکراتیک بیش از آنکه ناشی از اعتقاد و باور آنها به دموکراسی و هنجارهای دموکراتیک باشد، ناشی از ساختار جمعیتی عراق و سهم شیعیان در این ساختار و در نتیجه بهره‌برداری راهبردی از آن به منظور دستیابی به حقوق و منافع تاریخی‌شان است. با وجود این دیدگاه، جنبه دیگر رفتار سیاسی گروه‌ها و رهبران شیعی در عراق تلاش برای تحکیم نهادها و ساختارهای دموکراتیک در برگیرنده تمامی گروه‌های عراق و همچنین حفظ یکپارچگی، ثبات و امنیت در عراق پس از صدام است.

تمایل شیعیان به نهادینه‌سازی ساختار سیاسی کنونی که می‌تواند حقوق و منافع تمام گروه‌ها از جمله گروه‌های شیعی را به نسبت سهم جمعیتی آنها در عراق حفظ کند علت اصلی تلاش آنها برای ایجاد ثبات و امنیت و همچنین ترغیب سایر گروه‌ها و بازیگران خارجی برای اتخاذ رویکردی مناسب در این خصوص است. احزاب و فهرست‌های شیعی عمده عراق در کنار رهبران مذهبی همچون آیت الله سیستانی، در ساختار سیاسی عراق بیشترین تاثیرگذاری را

دارند. این احزاب، قدرتمندترین بلوک سیاسی در پارلمان عراق را تشکیل می‌دهند و در دولت نیز پست نخست‌وزیری و بخش عمده‌ای از کابینه‌های دولت عراق را به خود اختصاص می‌دهند.

به رغم فراز و فرودهای متعدد روند سیاسی عراق، گرایش اصلی گروه‌های شیعی عراق حفظ یکپارچگی عراق، تلاش برای کسب قدرت بیشتر در چارچوب معادلات داخلی عراق و شرایط عملی عرصه سیاست در این کشور و همچنین تلاش برای برقراری ثبات و امنیت است. شیعیان از امتیازات و امکاناتی هم برای تحقق اهداف و راهبردهای خویش برخوردارند که مهمترین آنها سازماندهی و انسجام نسبی حول روحانیت و فقدان رقیب جدی در صحنه عراق است. در مجموع شیعیان به محور دولت سازی در عراق پس از صدام تبدیل شدند و کانون نظام سیاسی جدید در این کشور را تشکیل می‌دهند و سایر گروه‌ها نیز با توجه به آرای عمومی و میزان توجه مردم به آنها در روند سیاسی دموکراتیک مشارکت دارند. شیعیان در آخرین انتخابات مجلس عراق که در ۱۲ مه ۲۰۱۸ برای گزینش ۳۲۹ عضو مجلس برگزار شد در قالب ائتلاف‌های مختلف موفق شدند اکثریت آرای مجلس را به دست آورند.

ائتلاف اتحاد انقلابیون برای اصلاحات (سائرون) به رهبری مقتدی صدر با کسب ۵۴ کرسی بر دیگر ائتلاف‌ها پیشی گرفت. فهرست الفتح به رهبری هادی العامری فرمانده الحشد الشعبی هم با کسب ۴۷ کرسی در جای دوم قرار گرفت. ائتلاف النصر به رهبری حیدر العبادی هم موفق شد با کسب ۴۲ کرسی در رده سوم قرار گیرد. فهرست القانون به رهبری نوری المالکی هم توانست ۲۵ کرسی را از آن خود کند. پیش از این انتخابات نیز سه انتخابات در عراق پس از حمله آمریکا و سرنگونی رژیم بعث برگزار شد که در آنها سه طیف شیعیان، اهل سنت و کردها در قالب ائتلاف‌های گوناگون به رقابت پرداختند که در همه آنها فهرست‌های مختلف شیعی توانستند اکثریت کرسی‌های پارلمان را از آن خود کنند. در کابینه مصطفی الکاظمی نخست‌وزیر جدید عراق هم که متشکل از ۲۱ وزیر است سهم شیعیان ۱۱ وزارتخانه در نظر گرفته شده است. این در حالی است که سهم اهل سنت ۶، کردها ۳ و اقلیت‌ها نیز یک وزارتخانه در نظر گرفته شده است. بر اساس اعلام منابع سیاسی، در کابینه الکاظمی نیروهای شیعه ۱۱ وزارتخانه کشور، برق، نفت، بهداشت و محیط زیست، امور خارجه، آموزش عالی، کشاورزی، ارتباطات، حمل و نقل و ارتباطات، کار و امور اجتماعی، منابع آب و فرهنگ را در اختیار خواهند داشت. برخورداری از اکثریت جمعیتی مطلق، وجود حوزه علمیه پرنفوذ و با سابقه تاریخی آن، وجود سازمان‌های تشکیلاتی پرسابقه مانند حزب الدعوه و مجلس اعلای اسلامی عراق و توان کادرسازی آنان در شرایط متفاوت، وجود بقای متبرکه و عتبات عالیات در این کشور و نقش موثر آن در تثبیت موفقیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شیعیان و حفظ همبستگی و هویت‌یابی آنان، حضور انبوه مهاجران شیعه مقیم سایر کشورها و کسب تخصص‌های گوناگون و امکان ایفای نقش در عرصه بازسازی عراق و وجود رابطه حسنه برخی شخصیت‌ها و گروه‌های شیعه مانند مجلس اعلا با برخی کشورهای منطقه مانند کویت و ایران، حضور شیعیان در مناطق ژئوپلیتیک، از جمله توانمندی‌های شیعیان عراق قلمداد می‌شود. برخی کارشناسان از جمله «گراهام فولر» و «رند رحیم فرانکه» سال‌ها پیش در کتاب «شیعیان عرب،

مسلمانان فراموش شده» آورده‌اند، اگر شیعیان به قدرت سیاسی متناسب با جمعیتشان دست یابند امکان دگرگون کردن چشم انداز سیاسی عراق و اثر گذاری قابل ملاحظه‌ای بر آینده شیعیان کشورهای عربی دیگر خواهند داشت. اهمیت یافتن عراق در عرصه عربی به معنای آن است که شیعیان عراق می‌توانند به تدریج نگرش متداول سنیان نسبت به تشیع را تغییر دهند و تشیع را وارد جریان غالب فرهنگ عربی به عنوان یک کل کنند. بر این اساس، شیعیان عراقی مسئولیت‌هایی اجتماعی دارند که فراتر از مرزهایشان است: آنچه آنها بر می‌گزینند پیامدهایی اساسی برای هم مسلمانان شیعه‌شان در منطقه دارد و می‌تواند به بهبود شرایط شیعیان کشورهای عربی و یا وخیم شدن اوضاع آنان بینجامد.

رویکرد نظری

منطقه ژئوپلیتیک مرحله تکامل یافته منطقه جغرافیایی است که بر پایه فضای جغرافیایی همگن و متجانس از حیث ساختاری یا کارکردی تشکیل شده است. برای پیدایش و شکلگیری منطقه ژئوپلیتیکی باید ابعاد سیاسی منطقه جغرافیایی، عناصر و اجزاء داخلی؛ و ارکان آن رشد یابد و تقویت شود تا منطقه جغرافیایی حائز شرایط تبدیل به منطقه ژئوپلیتیکی باشد. رشد و تقویت منطقه جغرافیایی می‌تواند از حیث کارکردی و ساختاری و یا جنبه‌های فردی و اجتماعی باشد. با اینحال، این ارتقاء باید همراه با بازخورد سیاسی در منطقه جغرافیایی باشد تا بتوان آن را به عنوان منطقه ژئوپلیتیک مطرح کرد، هرچند این نقش سیاسی، به طور ناقص پیاده شود. در یک منطقه ژئوپلیتیک عوامل طبیعی و انسانی، کارکرد سیاسی داشته و نظر دولتها و کشورهای درونمنطقه یا برونمنطقه را به خود جلب میکند و کنش و واکنش آنها را بر می‌انگیزاند به گونهای که؛ آنها بخشی از الگوی رفتاری خود را نسبت به آن عناصر شکل میدهد. منطقه ژئوپلیتیک بسترساز شکلگیری الگوی فضایی روابط سیاسی دولتهای درون منطقیهای و برون منطقیهای است (حافظنیا و کاویانیراد، ۱۳۸۸: ۷۵). در منطقه ژئوپلیتیکی، الگوی روابط میان کنشگران (در تمام ابعاد نظامی، سیاسی، اقتصادی و ...) بر مبنای مؤلفه‌هایی شکل می‌گیرد که این مؤلفه‌ها ظرفیت ایجاد رقابت میان کنشگران برای کسب قدرت را دارد و هر یک از این متغیرها، به عنوان مؤلفه ژئوپلیتیکی در منطقه جغرافیایی محسوب میشود که بر سطح رقابتپذیری میان کنشگران می‌افزاید و آن را به عنوان یک منطقه ژئوپلیتیکی مطرح می‌سازد. انرژی، نفت، گاز، مذهب، نژاد فارس، ترک، کرد و عرب، زبان، آب، کوه، دسترسی به راه‌های مواصلاتی و هر آنچه که سبب ایجاد رقابت بر سر منافع بیشتر و قدرت بالاتر می‌شود، از متغیرهایی هستند که این ظرفیت را دارند تا یک منطقه جغرافیایی را به منطقه ژئوپلیتیکی تبدیل کنند.

اجزاء و عناصر سیاسی که در منطقه ژئوپلیتیک شکل گرفته به نیروهای سیاسی منطقه شکل‌گیری سازه ژئوپلیتیک منوط به تکامل منطقه ژئوپلیتیک است. در این مرحله، ای و فرامنطقه‌ای تبدیل می‌شوند که قابلیت کنش و تأثیر بر هم را پیدا میکنند. کنش و واکنش نیروهای سیاسی در یک سازه ژئوپلیتیک منجر به ظهور فرایندهای متفاوتی همچون همگرایی، واگرایی، کشمکش، ستیز و نیز همکاری، تعاون و توسعه میشود. در این مرحله وابستگیهای متقابل و درک مشترک از امور منطقه‌ای گسترش می‌یابند. عناصر ساختاری و کارکردی منطقه‌ای در تعامل با

یکدیگر به نقش آفرینی یابد. نیروهای ترکیب کننده و نیروهای تجزیه گر در منطقه به تکاپو و رقابت مشغول سیاسی میگردانند و زیرساختهای تفاهم منطقه ای فراهم می شود. روابط سیستمی بین دولت ها به عنوان عناصر بازیگر درون منطقه ای به صورت پیدا و پنهان شکل گرفته و توسعه می یابند (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۱۷۰-۱۷۳)

قدرت ملی یک کشور دارای دو وجه نفوذ و اجبار می باشد. وجه نفوذ، بیشتر جنبه ذهنی دارد و کشورها و دولت ها تلاش می کنند با اعمال نفوذ خود بر دیگران، قدرت خود را به کار گیرند و اراده خود را تحقق بخشند. وجه اجبار بیشتر جنبه عینی دارد و بر قدرت نظامی و ابزارهای تنبیهی متکی است که به طور معمول دولت ها در مراحل بعدی و در صورت مؤثر واقع نشدن وجه نفوذ به کار می گیرند. وجه نفوذ همان مؤلفه ای است که از آن به عنوان قدرت نرم یاد می شود و اندیشمندان و محققان سیاست بین الملل و مطالعات راهبردی نیز در مناسبات بین واحدهای سیاسی و در عرصه نظام بین الملل و مطالعات راهبردی نیز در مناسبات بین واحدهای سیاسی و در عرصه نظام بین الملل از این نوع قدرت سخن گفته اند. هرچند قدرت نرم از حیث شامل شدن قدرت سخت (تهدید) و یا پاداش نیز نمی تواند مانند نفوذ باشد ولی قدرت نرم چیزی بیش از قانع کردن صرف یا توانایی حرکت دادن مردم از طریق استدلال می باشد. قدرت نرم همچنین شامل توانایی های جذب کردن نیز می شود و عمل جذب، اغلب باعث مشارکت توأم با رضایت می گردد (نای، ۱۳۸۹: ۴۴ و بیگدلو، ۱۳۹۰: ۱۵۶). نای بر این اساس که توانایی تغییر آنچه دیگران می خواهند، بر جاذبه های فرهنگی یا ارزشی، و یا قابلیت نفوذ و تغییر در چیدمان اولویت های سیاسی متکی است و روش شناسی انجام این عمل، نه صدور دستور، تهدید و اجبار، تشویق و تنبیه اقتصادی، بلکه تنظیم اولویت، جاذبه خاص و متقاعد سازی (روش های نرم) می باشد (نای، ۱۳۸۷: ۴۶). وی در راستای تعمیق این موضوع در مقاله «منافع قدرت نرم» بیان می دارد که این راه غیر مستقیم برای دست یابی به اهداف، «روی دوم قدرت» می باشد. همچنین وی تأکید دارند که؛ «قدرت نرم یک پدیده مورد نیاز روزمره در سیاست، و ایجاد ترجیحات و علائق معمولاً با داشته هایی چون؛ شخصیت، فرهنگ، ارزش ها و نهادهای سیاسی جذاب یا سیاست هایی است که دارای مشروعیت یا اعتبار اخلاقی به نظر می رسند» (نای، ۱۳۸۶: ۱۱۰) البته نای معتقد است که بسیاری از منابع قدرت نرم از مهار و کنترل سامان های سیاسی خارج هستند و تأثیر آن ها منوط به پذیرش مخاطبان می باشد و همین امر، قدرت نرم را پدیده ای زمان بر و طولانی می سازد (نای، ۱۳۸۹: ۱۹۱). باید میزان مشروعیت حاصل از بهره گیری قدرت را افزایش داد زیرا از این طریق، مقاومت در برابر اهداف کشور مهاجم کاسته می شود و در صورت پیوند و ارتباط وثیق میان این بعد از قدرت با هنجارهای بین المللی و ایدئولوژی، اشتیاق بیشتری نسبت به پذیرش این قدرت ایجاد خواهد شد و از هزینه های اضافی خواهد کاست (نای، ۱۳۸۷: ۱۳۳). از همین روی، نای مدعی می شود که اثبات قدرت در گروهی توانایی تغییر رفتار دولت های دیگر است. در واقع، جوزف نای میان قدرت داشتن بر کشورها و قدرت داشتن بر نتیجه ها تمایز قائل شد (باقری، ۱۳۸۷: ۲۱۶). البته این رویکرد به معنای سلب کاربرد قدرت نرم برای سطوح داخلی کشورها نیست و می توان قدرت نرم را در سطح ملی مورد استفاده قرار داد. از

منظری دیگر، رابطه دولت و شهروندان می‌تواند براساس قدرت نرم سازماندهی شود و همین گزینه، بسترهای شکل‌گیری یک دولت مشروع را فراهم می‌آورد.

قدرت نرم مانند سایر اشکال قدرت، برآیندی از برخی منابع است. اهمیت شناخت و آگاهی از منابع آن است که این منابع به میزان زیادی تعیین‌کننده ماهیت آن قدرت می‌باشند. به نظر نای، قدرت نرم در یک کشور می‌تواند از سه منبع اصلی فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست‌های داخلی و خارجی پدید آید (عسگری، ۱۳۸۹: ۶۸ و افتخاری، ۱۳۹۲: ۲۶). بررسی‌ها حکایت از اهمیت فرهنگ و مطالعات فرهنگی در حوزه سیاست و اجتماع دارد از این رو، فرهنگ معانی مختلفی دارد ولی امروز، بیشتر به صورت نرم افزاری تعریف می‌شود تا سخت افزاری. در راستای همین نگرش، مسائل فرهنگی یکی از حوزه‌های استراتژیک و حائز اهمیت در تأمین امنیت و قدرت نرم در جامعه محسوب می‌شود. در قاموس و عرف سیاست بین‌الملل از واژه فرهنگ به عنوان قدرت نرم یاد می‌شود و آنچه از محتوای کلمات متفکران و اندیشمندان در توضیح واژه قدرت نرم برمی‌آید این است که قدرت نرم محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و جهانی، قدرت تأثیرگذاری غیر مستقیم همراه با رضایت بر دیگران و غیره می‌باشد. از این رو؛ قدرت نرم رفتار همراه با جذابیت، قابل رویت، اما غیر محسوس است. در قدرت نرم و یا قدرت فرهنگی بر روی ذهنیت‌ها سرمایه‌گذاری می‌شود و از جذابیت برای ایجاد اشتراک بین ارزش‌ها و همه خواست‌ها سود می‌جوید. از این چشم‌انداز، قدرت نرم به آن دسته از قابلیت‌ها و توانایی‌ها گفته می‌شود که با به‌کارگیری ابزارهایی چون فرهنگ به صورت غیر مستقیم بر منابع یا رفتارهای دیگر کشورها اثر می‌گذارد. بنابراین قدرت نرم با منابع نامحسوس مثل فرهنگ ارتباط دارد (پور احمدی، ۱۳۸۹: ۲۹۷-۲۹۶). از نظر برخی از نویسندگان، برخی از فرهنگ‌ها بیش از فرهنگ‌های دیگر به منبعی برای قدرت نرم کشورها تبدیل می‌شوند. آنان برخی از آن ویژگی‌ها را چنین بر شمرده‌اند: انعطاف‌پذیری، پویایی، برخورداری از ارزش‌های پایدار، اخلاق محوری، قدرت اشاعه و تولیدات فرهنگی (الیاسی، ۱۳۸۹: ۱۵۴).

منطقه مورد مطالعه

کشور عراق از نظر ساختار اجتماعی فرهنگی به سه حوزه کاملاً متفاوت قابل تقسیم است. در حوزه مرکزی عراق اعراب سنی، در شمال و شرق کردها و در جنوب شیعیان سکونت دارند و هر کدام از این گروه‌ها دارای شاخصه‌های فرهنگی و اجتماعی خاص خود هستند. البته در کنار این سه گروه اصلی، هویت‌های فرهنگی اجتماعی کوچک‌تری نظیر ترکمن‌ها، آشوری‌ها و یزیدی‌ها نیز وجود دارند که دارای فرهنگ و عقاید متمایزی می‌باشند. شیعیان که اکثریت جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند، بیشتر در مناطق جنوبی و مرکزی عراق سکونت دارند. وجود مقبره امامان شیعی در شهرهای مقدس عراق همچون کربلا و نجف، و همچنین وجود حوزه علمیه نجف و در نتیجه حضور دائمی علمای شیعی در این شهرها باعث تقویت فرهنگ شیعی شده‌است و این امر شیعیان عراق را از نظر فرهنگی به ایرانیان شیعی مذهب نزدیک ساخته‌است. اعراب سنی بخش دیگری از ساختار فرهنگی اجتماعی عراق را تشکیل می‌دهند. این بخش از ساختار فرهنگی عراق براساس قومیت عربی و مذهب سنی ایجاد شده و به دلیل

حاکمیت اقلیت اعراب سنی در طول دهه‌های گذشته در عراق تقویت شده‌است. گرایش‌ها و عصبیت عربی این بخش از فرهنگ عراق بسیار قدرتمند بوده و پان عربیسم به عنوان یک ایدئولوژی سیاسی فعال در عراق و حتی جهان عرب در این فرهنگ ریشه داشته‌است. این بخش از ساختار فرهنگی عراق به دلیل حمایت‌های نظام سیاسی در پی تسلط بر سایر بخش‌ها و همسان‌سازی فرهنگی بوده‌است. کردها عموماً در مناطق بلند شمالی، دره‌های مجاور آن و در چهار استان سلیمانیه، اربیل، دهوک و کرکوک (تمیم) دیاله و واسط زندگی می‌کنند. به غیر از این مناطق که اکثریت قریب به اتفاق کرد هستند، کردها در مناطق مجاور نیز پراکنده‌اند و جمعیت انبوهی از آنان تا حدود کوت هم پخش شده‌اند. اصولاً پیوند و همبستگی کردها، قبیله‌ای است. قبایلی چون هرکی، سورچی و زیباری توانسته‌اند هنوز پیوستگی بدوی سنتی خود را حفظ کنند. اکثر کردها سنی مذهب هستند و تنها بخشی از آنها تحت عنوان کردهای فیلی، که در استان دیاله سکونت دارند، شیعی مذهب هستند.

پس از جنگ کویت و عراق و وضع ممنوعیت پرواز عراق به بالای خط ۲۳ درجه در سال ۱۹۹۱ کردهای عراق عملاً توانستند حکومت خود را تأسیس نمایند و با حل اختلافات گروهی و قیام علیه حکومت بعث حکومت منطقه را به عهده گرفتند که کردها این خیزش را راپه‌رین می‌نامند. پس از ده سال و با حمله مجدد آمریکا به عراق در شمال و شمال شرقی عراق که به کردستان عراق معروف است کردها حکومت خود مختار در جمهوری فدرال عراق به‌طور رسمی تشکیل دادند. در سال ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ نیز ریاست جمهوری و وزارت امور خارجه عراق توسط کردها اداره می‌گردد. کشور عراق از نظر ساختار اجتماعی فرهنگی به سه حوزه کاملاً متفاوت قابل تقسیم است. در حوزه مرکزی عراق اعراب سنی، در شمال کردها و در جنوب شیعیان سکونت دارند و هر کدام از این گروه‌ها دارای شاخصه‌های فرهنگی و اجتماعی خاص خود هستند. البته در کنار این سه گروه اصلی، هویت‌های فرهنگی اجتماعی کوچک تری نظیر ترکمن‌ها، آشوری‌ها و یزیدی‌ها نیز وجود دارند که دارای فرهنگ و عقاید متمایزی می‌باشند. کردها عموماً در مناطق بلند شمالی، دره‌های مجاور آن و در چهار استان سلیمانیه، اربیل، دهوک و کرکوک (تمیم) زندگی می‌کنند. به غیر از این مناطق که اکثریت قریب به اتفاق کرد هستند، کردها در مناطق مجاور نیز پراکنده‌اند و جمعیت انبوهی از آنان تا حدود خانقین هم پخش شده‌اند. اصولاً پیوند و همبستگی کردها، قبیله‌ای است. قبایلی چون هرکی، سورچی و زیباری توانسته‌اند هنوز پیوستگی بدوی سنتی خود را حفظ کنند. اکثر کردها سنی مذهب هستند و تنها بخشی از آنها تحت عنوان کردهای فیلی، که در اطراف خانقین سکونت دارند، شیعه مذهب هستند. کردها از ابتدای تشکیل عراق در جهت خودمختاری با دولت مرکزی این کشور مبارزه کرده‌اند و این مسئله باعث تشدید گرایشات قومی در آنها شده است؛ در مجموع، عنصر قومیت نسبت به مذهب در هویت کردها پررنگ تر است؛ کردهای عراق که از نظر قومی به ایرانی‌ها نزدیک هستند، بر فرهنگ، زبان و قومیت کردی خود بسیار تاکید دارند و همواره سعی کرده‌اند تا خود را از اکثریت اعراب عراق متمایز سازند.

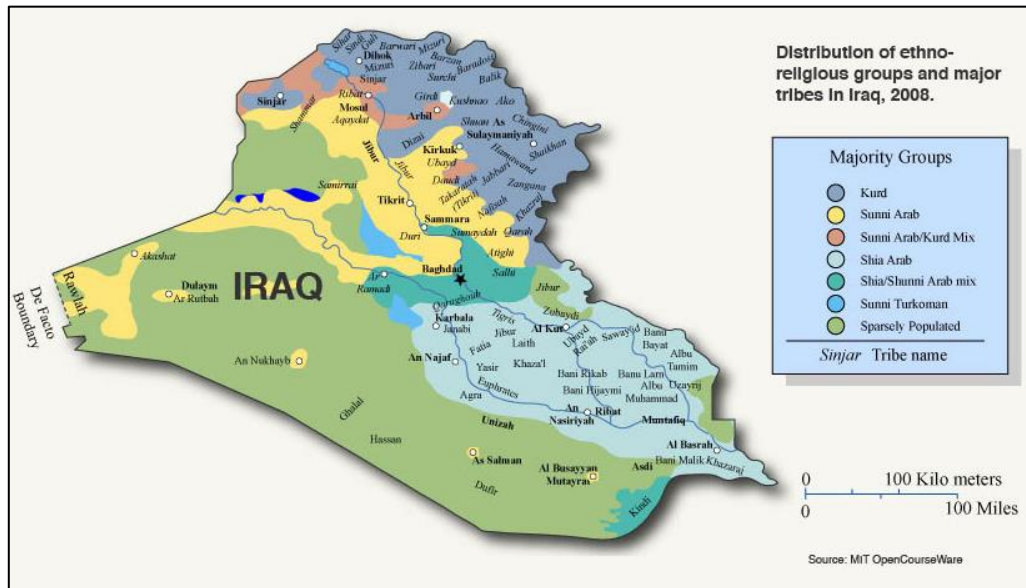
بعد از فروپاشی رژیم بعث در سال ، کردها با تشکیل ایالات فدرال نیمه خودمختار در شمال عراق، از نظر اجتماعی دارای آزادی و خودمختاری زیادی شده‌اند؛ تا آنجا که در این دوره زبان کردی در کنار زبان عربی به عنوان زبان

رسمی عراق در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است. شیعیان که اکثریت جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند، بیشتر در مناطق جنوبی و مرکزی عراق سکونت دارند. نسبت به مبدا و آغاز گرایش مردم عراق به تشیع اختلاف نظر وجود دارد. برخلاف استنادات تاریخی نسبت به تشکیل خلافت حضرت علی علیه‌السلام در کوفه و مبنای حمایتی کوفه و بصره از قیام حضرت امام حسین علیه‌السلام، پژوهشگران غیراسلامی، عمده قدرت شیعیان عراق امروزی را به بخش‌های تازه مسلمان شده استناد می‌دهند و حتی برخی پیدایش جامعه شیعی در عراق را در پی تحولات قرن نوزدهم می‌دانند. شیعیان عراق از نظر فرهنگی نشانگر ترکیب فرهنگ خاصی هستند که از دو مجموعه فرهنگی قوی عربی و مذهب شیعی تشکیل می‌شود. قومیت عربی شیعیان عراق آنها را به اعراب سنی پیوند می‌دهد و آنها از نظر آداب و رسوم و پیوندهای قبیله‌ای با اعراب اشتراکات زیادی دارند، اما مذهب شیعی باعث تمایز فرهنگی آنها از جهان عرب اهل سنت می‌شود. وجود مقبره امامان شیعه در شهرهای مقدس عراق همچون کربلا و نجف، و همچنین وجود حوزه علمیه نجف و در نتیجه حضور دایمی علمای شیعی در این شهرها باعث تقویت فرهنگ شیعی شده است و این امر شیعیان عراق را از نظر فرهنگی به ایرانیان شیعی مذهب نزدیک ساخته است. به رغم حاکمیت رژیم‌های سکولار و غیردینی در عراق طی سال‌های گذشته، هنوز فرهنگ شیعی و رفتارهای مبتنی بر آن در این کشور قوی است و تحولات عراق بعد از صدام این مسئله را به خوبی نشان می‌دهد.

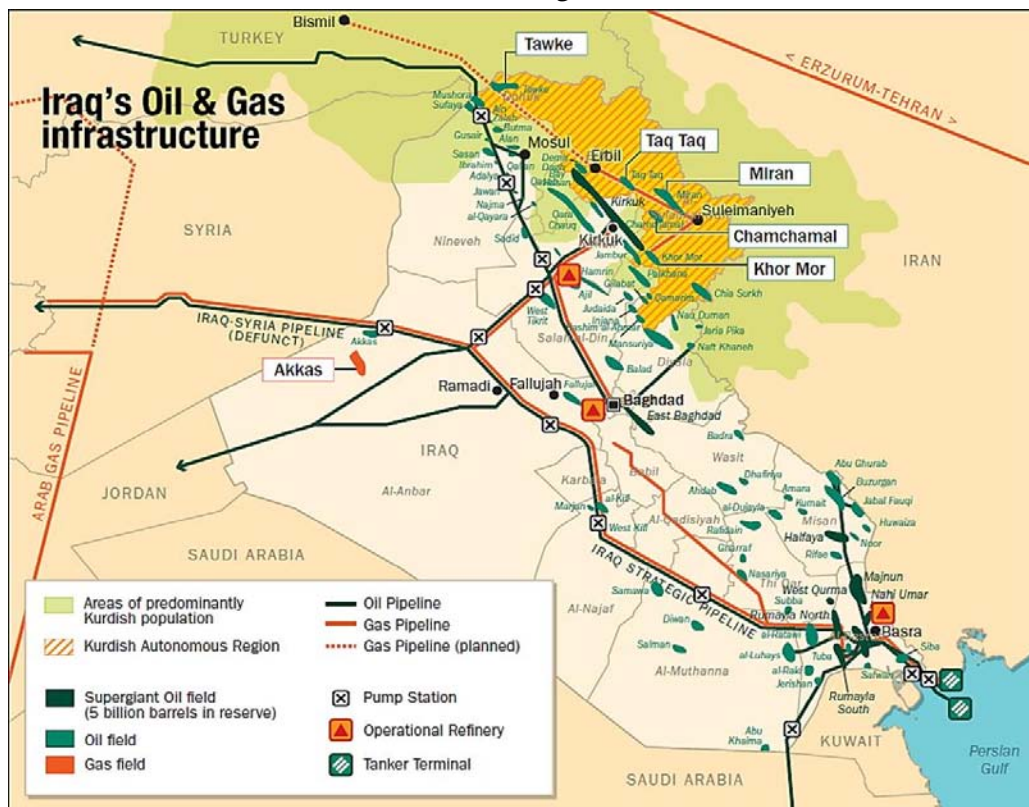
اعراب سنی بخش دیگری از ساختار فرهنگی اجتماعی عراق را تشکیل می‌دهند. این بخش از ساختار فرهنگی عراق براساس قومیت عربی و مذهب سنی ایجاد شده و به دلیل حاکمیت اقلیت اعراب سنی در طول دهه‌های گذشته در عراق تقویت شده است. گرایشات و عصبیت عربی این بخش از فرهنگ عراق بسیار قدرتمند بوده و پان عربیسم به عنوان یک ایدئولوژی سیاسی فعال در عراق و حتی جهان عرب در این فرهنگ ریشه داشته است. این بخش از ساختار فرهنگی عراق به دلیل حمایت‌های نظام سیاسی در پی تسلط بر سایر بخش‌ها و همسان سازی فرهنگی بوده است. با اشغال عراق توسط نیروهای آمریکا در سال، رژیم بعث این کشور فروپاشید و به تدریج با برگزاری دو انتخابات پارلمانی و یک انتخابات همه پرسی قانون اساسی، نظام سیاسی جدید عراق شکل گرفت. براساس قانون اساسی دایمی جدید عراق، این کشور دارای نظام جمهوری دموکراتیک فدرال است و نظام حکومتی آن پارلمانی است. اعضای پارلمان به واسطه انتخابات به صورت مستقیم از سوی مردم تعیین می‌شوند و پارلمان نیز شورای ریاست جمهوری، متشکل از رئیس جمهور و دو معاونش را انتخاب می‌کند. رئیس جمهور نیز نخست وزیر را مسئول تشکیل کابینه می‌کند. به دلیل تنوع قومی و مذهبی و مشارکت نمایندگان تمام گروه‌ها در پارلمان، پست‌های سیاسی حکومت و هیات دولت بین احزاب و گروه‌های مختلف طبق میزان نمایندگان آنها تقسیم می‌شود. در حال حاضر نخست وزیر شیعه، رئیس جمهور کرد و رئیس مجلس در عراق سنی مذهب است.

دولت عراق فدرال و متشکل از یک دولت مرکزی در بغداد و ایالات‌ها و واحدهای فدرال خواهد بود، اما اکنون تنها یک دولت فدرال کردی در شمال عراق حاکمیت دارد. وظایف و حاکمیت دولت بین دولت مرکزی و واحدهای فدرال تقسیم می‌شود و تشکیل واحدهای فدرال براساس نظرات اعمالی مردم استان‌ها و از طریق انتخابات صورت

خواهد گرفت. قوای حکومتی شامل قوه قضائیه، قوه مجریه و قوه مقننه می‌باشد و در حال حاضر از نماینده پارلمان حدود کرسی در اختیار شیعیان است و ائتلاف عراق یکپارچه که عمدتاً متشکل از احزاب و گروه‌های اسلامی شیعی چون حزب الدعوه، مجلس اعلی و گروه صدر است، بر پارلمان عراق مسلط می‌باشند. نخست وزیر کنونی شیعی مذهب عراق، نوری مالکی نیز از اعضای ارشد حزب الدعوه می‌باشد.



نقشه ۱: تقسیمات سیاسی عراق منبع: (<https://theglobalobservatory.org>)



نقشه ۲: منابع نفت و گاز کشور عراق منبع: (<https://blogs.platts.com>)

ساختار اقتصادی عراق همانند تمامی کشورهای حاشیه خلیج فارس براساس تولید و فروش نفت قرار دارد. عراق سومین کشور دارنده نفت در دنیا است و هزینه تولید نفت در آن کشور، کمترین حد هزینه‌های تولید نفت در دنیاست. در سال، درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام درصد تولید ناخالص داخلی و درصد درآمدهای دولت را تشکیل داد. در این سال به دلیل جنگ و ضربات ناشی از اشغال این کشور و همچنین تبعات تحریم‌های بین‌المللی و جنگ‌های زمان رژیم بعث، عراق جایگاه پانزدهمین تولیدکننده نفت دنیا را به خود اختصاص داد.

براساس گزارش ناظران ویژه بازسازی عراق، بخش نفت عراق با چالش‌های فنی در تولید، حمل و نقل و ذخیره سازی نفت خام و فرآورده‌های نفتی روبه‌رو است. این بخش همچنین با مشکلاتی از قبیل مدیریت قیمت و واردات، مبارزه با قاچاق و فساد مالی، بهبود بخشیدن تخصیص بودجه و اجرای آن و حفظ عملیات‌های نفتی روبه‌رو است. تولید نفت در عراق هنوز به سطح قبل از حمله آمریکا نرسیده است.

اقتصاد عراق با پشت سرگذاشتن بیش از یک دهه تحریم‌های اقتصادی و جنگ از دهه، به شدت تضعیف شده است و به سرمایه‌گذاری و نوسازی نیاز دارد. براساس گزارش‌ها، بازسازی طولانی مدت و اساسی عراق بیش از ۲ میلیارد دلار هزینه در برخواهد داشت که حداقل یک سوم این مبلغ به بخش نفت، گاز و برق اختصاص می‌یابد.

در شرایط کنونی مردم عراق در وضعیت بسیار نامناسب اقتصادی به سر می‌برند و دولت عراق قادر به تامین نیازهای اساسی و ایجاد اشتغال برای آنها نیست. در عین حال وزیر بازرگانی عراق اعلام کرده است که نرخ بیکاری ملی و کم‌کاری در این کشور بین تا درصد می‌باشد و وزیر کار و امور اجتماعی عراق نیز این آمار را بیش از درصد اعلام می‌کند. شرایط جنگی و منازعات فرقه‌ای به آوارگی بیش از چهار میلیون عراقی انجامیده و این امر وضعیت اقتصادی را بحرانی‌تر کرده است.

جریان‌ها، احزاب و گروه‌های سیاسی عراق عمدتاً در راستای تقسیم بندی‌ها و شکاف‌های قومی فرقه‌ای عراق تشکیل شده‌اند و در این چارچوب فعالیت می‌کنند. در زمان حکومت صدام حسین، حزب بعث تنها حزب رسمی فعال در عراق بود و سایر احزاب و گروه‌ها به ویژه جریان‌های شیعی و کرد به صورت مخفی و عمدتاً در مقابل رژیم بعث فعالیت می‌کردند. با فروپاشی رژیم بعث احزاب و گروه‌های سیاسی مختلفی تشکیل شد و فعالیت گروه‌های موجود در عرصه سیاسی به شدت افزایش یافت. این احزاب شامل گروه‌های مختلفی از قومیت‌های و فرقه‌های مختلف عراق و با گرایش‌های متفاوت اسلامی، سکولار، ملی‌گرا و کمونیستی است.

در انتخابات سال‌های گذشته در عراق، گروه‌های موجود در قالب اتحادها و ائتلاف‌هایی سازماندهی و در عرصه رقابت‌های سیاسی مشارکت کردند. از جمله مهمترین ائتلاف‌ها می‌توان به ائتلاف کردستان، ائتلاف عراق یکپارچه، فهرست‌های عراق (العراقیه)، جبهه توافق عراق و جبهه گفت و گوی ملی عراق اشاره کرد.

ائتلاف کردستان

ائتلاف کردستان از دو حزب اصلی کردهای عراق یعنی اتحادیه میهنی و حزب دموکرات و اتحادیه اسلامی کردستان تشکیل می‌شود. اتحادیه میهنی توسط جلال طالبانی که هم اکنون رئیس‌جمهور عراق است رهبری می‌شود و در

سلیمانیه متمرکز است. حزب دموکرات کردستان توسط مسعود طالبانی رئیس دولت کردستان در شمال عراق رهبری می‌شود و نیچروان بارزانی از اعضای ارشد این حزب نیز پست نخست وزیر دولت کردستان عراق را در اختیار دارد. احزاب کرد با در دست داشتن بخشی از کرسی‌های مجلس عراق، قسمتی از قدرت مرکزی به ویژه پست ریاست جمهوری را در اختیار دارند و مهمتر از آن با تشکیل دولت نیمه خودمختار کردی در شمال عراق در پی تحکیم فدرالیسم کردی هستند.

ائتلاف عراق یکپارچه

ائتلاف عراق یکپارچه که در برگیرنده بخش عمده‌ای از احزاب شیعی اسلامی و برخی احزاب کوچک تر دیگر است، بزرگ‌ترین ائتلاف سیاسی عراق را در حال حاضر تشکیل می‌دهد و بیشترین کرسی‌ها را در مجلس این کشور در اختیار دارد. اصلی‌ترین احزاب و گروه‌های این ائتلاف سیاسی شامل حزب الدعوه اسلامی، مجلس اعلی اسلامی عراق (مجلس اعلای انقلاب اسلامی سابق)، گروه صدر و حزب فضیلت می‌باشد.

حزب الدعوه

حزب الدعوه اسلامی از قدیمی‌ترین احزاب اسلامی شیعی عراق است و رهبری آن را ابراهیم جعفری (نخست وزیر انتقالی عراق) بر عهده دارد. نوری مالکی نخست وزیر کنونی عراق از اعضای ارشد این حزب است. مجلس اعلای اسلامی عراق در ایران و در جهت سازماندهی گروه‌های شیعی مخالف صدام تشکیل شد و بعد از فروپاشی رژیم بعث با رهبری آیت ... محمدباقر حیکم به عراق منتقل شد. بعد از شهادت آیت ... حکیم، عبدالعزیز حکیم در حال حاضر رهبری این گروه را بر عهده دارد. وی در عین حال رهبری ائتلاف عراق یکپارچه را نیز به عهده دارد.

گروه صدر، دیگر گروه شیعی این ائتلاف است که از هواداران و پیروان مرحوم آیت‌الله محمدصادق صدر، پدر مقتدا، رهبر کنونی این گروه تشکیل می‌شود. این گروه برخلاف حزب الدعوه و مجلس اعلی فاقد سابقه تاریخی است و بلافاصله بعد از فروپاشی رژیم بعث تشکیل و گسترش یافت. اکنون این گروه دارای پایگاه اجتماعی قابل توجهی در میان شیعیان عراق و به ویژه گروه فقیر و پایین دستی شیعی است. شهرک صدر بغداد یکی از کانون‌های اصلی فعالیت این گروه محسوب می‌شود، اما علاوه بر این، گروه مذکور در شهرهایی چون نجف نیز فعالیت‌های قابل توجهی دارد. گروه صدر در مقایسه با دیگر گروه‌ها رادیکال تر و دارای گرایش‌های ضد آمریکایی قوی تری است و همین امر منجر به بروز اختلافاتی در میان این گروه و سایر گروه‌های ائتلاف یکپارچه عراق شده است.

حزب فضیلت نسبت به سه گروه مذکور کوچک تر است و توسط محمدعلی یعقوبی رهبری می‌شود و بیشتر در مناطق جنوبی عراق چون بصره هوادارانی دارد. فهرست العراقیه یا فهرست ملی عراق از برخی گروه‌های ملی گرای عراقی تشکیل می‌شود و حزب توافق ملی عراق به رهبری ایاد علاوی اصلی‌ترین حزب این فهرست است که به رغم حمایت‌های غرب در انتخابات عراق، موفقیت عمده‌ای کسب نکرد. در میان گروه‌های سنی عراق، جبهه توافق عراق و جبهه گفت و گوی ملی عراق که متشکل از احزاب مختلف هستند، برجستگی بیشتری دارند و بخشی از کرسی‌های محلی عراق و ریاست آن را به خود اختصاص داده‌اند. جبهه توافق عراق متشکل از سه حزب عمده سنی

است و ریاست آن را عدنان الدلیمی برعهده دارد و رهبری جبهه گفت و گوی ملی عراق نیز بر عهده صالح مطلق می‌باشد.



نقشه ۳: توپوگرافی عراق

منبع: (<https://www.flickr.com>)

علاوه بر ائتلاف و گروه‌های مذکور، احزاب و شخصیت‌های سیاسی دیگری نیز در عراق فعالیت می‌کنند که برجستگی و نقش کمتری در صحنه سیاسی عراق دارند. کنگره ملی عراق به رهبری احمد صلیبی و سازمان عمل اسلامی به رهبری آیت‌الله مدرسی از جمله گروه‌های شیعی کوچک‌تر محسوب می‌شوند. آیت‌الله سیستانی نیز از شخصیت‌های مذهبی شیعی تاثیرگذار در عرصه سیاسی عراق در دوره جدید و حامی اصلی ائتلاف عراق یکپارچه به شمار می‌روند.

شیعیان عراق

شیعیان عراق بزرگ‌ترین مذهب قومی در کشور عراق با جمعیتی بالغ بر ۷۵ درصد این کشور است. اکثریت قاطع مسلمانان شیعه عراق مردم عرب، ۴۰ درصدی از جمعیت ترکمانان و اقلیتی را نیز کردها تشکیل می‌دهند. بعد از حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ خشونت‌های فرقه‌ای بین شیعیان و اهل تسنن عراق افزایش یافته است. گذشته از این، عراق دارای شهرهای مقدس شیعیان جهان نظیر نجف و کربلا می‌باشد که زیارتگاه میلیون‌ها نفر از مسلمانان شیعه است. نجف محل آرامگاه علی بن ابیطالب (امام اول شیعیان) است، و کربلا آرامگاه نوه محمد و فرزند امام اول شیعه، حسین بن علی است. همچنین نجف به عنوان مرکز علمی طلاب و روحانیون شیعه در سطح

جهان فعال است. دو اماکن مقدس دیگر برای شیعیان دوازده امامی در عراق شامل حرم کاظمین در حومه بغداد، که محل دفن مقبره امامان هفتم و نهم شیعیان موسی کاظم و محمد تقی، و حرم عسکریین در سامرای عراق که شامل مقبره امام دهم و یازدهم شیعیان علی الهادی و حسن عسکری می‌باشد.

شیعیان که اکثریت جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند، بیشتر در مناطق جنوبی و مرکزی عراق سکونت دارند. نسبت به مبدا و آغاز گرایش مردم عراق به تشیع اختلاف نظر وجود دارد. برخلاف استنادات تاریخی نسبت به تشکیل خلافت حضرت علی علیه‌السلام در کوفه و مبنای حمایتی کوفه و بصره از قیام حضرت امام حسین علیه‌السلام، پژوهشگران غیراسلامی، عمده قدرت شیعیان عراق امروزی را به بخش‌های تازه مسلمان شده استناد می‌دهند و حتی برخی پیدایش جامعه شیعی در عراق را در پی تحولات قرن نوزدهم می‌دانند.

شیعیان عراق از نظر فرهنگی نشانگر ترکیب فرهنگ خاصی هستند که از دو مجموعه فرهنگی قوی عربی و مذهب شیعی تشکیل می‌شود. قومیت عربی شیعیان عراق آنها را به اعراب سنی پیوند می‌دهد و آنها از نظر آداب و رسوم و پیوندهای قبیله‌ای با اعراب اشتراکات زیادی دارند، اما مذهب شیعی باعث تمایز فرهنگی آنها از جهان عرب اهل سنت می‌شود. وجود مقبره امامان شیعه در شهرهای مقدس عراق همچون کربلا و نجف، و همچنین وجود حوزه علمیه نجف و در نتیجه حضور دایمی علمای شیعی در این شهرها باعث تقویت فرهنگ شیعی شده است و این امر شیعیان عراق را از نظر فرهنگی به ایرانیان شیعی مذهب نزدیک ساخته است. به رغم حاکمیت رژیم‌های سکولار و غیردینی در عراق طی سال‌های گذشته، هنوز فرهنگ شیعی و رفتارهای مبتنی بر آن در این کشور قوی است و تحولات عراق بعد از صدام این مسئله را به خوبی نشان می‌دهد.

اعراب سنی بخش دیگری از ساختار فرهنگی اجتماعی عراق را تشکیل می‌دهند. این بخش از ساختار فرهنگی عراق براساس قومیت عربی و مذهب سنی ایجاد شده و به دلیل حاکمیت اقلیت اعراب سنی در طول دهه‌های گذشته در عراق تقویت شده است. گرایشات و عصیت عربی این بخش از فرهنگ عراق بسیار قدرتمند بوده و پان عربیسم به عنوان یک ایدئولوژی سیاسی فعال در عراق و حتی جهان عرب در این فرهنگ ریشه داشته است. این بخش از ساختار فرهنگی عراق به دلیل حمایت‌های نظام سیاسی در پی تسلط بر سایر بخش‌ها و همسان سازی فرهنگی بوده است.

شیعیان عراق، هم از نظر تعداد و هم از نظر تأثیر فکری ایدئولوژیکی، مهم‌ترین گروه شیعه در جهان عرب به شمار می‌آیند. ۵۵ تا ۶۰ درصد جمعیت ۲۲ میلیونی عراق را شیعیان تشکیل می‌دهند که تقریباً ۱۲ میلیون نفرند. بیشتر آنها عرب هستند و تعداد اندکی از آنها را شیعیان ترکمن و فارس عرب شده تشکیل می‌دهند. اگرچه اکثریت مطلق جمعیت عراق را شیعیان تشکیل می‌دهند، اما حکومت این کشور از زمان شکل‌گیری اش، در دست سنی‌ها بوده و در سه دهه گذشته، تنی چند از جماعت سنی و در رأس آنها صدام حسین و خانواده اش، این کشور را تحت سلطه روز افزون خود داشته‌اند. از اواخر دهه ۱۹۷۰ شمار زیادی از شیعیان عراقی به منظور سکونت در ایران، سوریه، بریتانیا و دیگر کشورهای عربی و اروپایی، عراق را ترک کرده و در این کشورها به ایجاد گروه‌هایی

برای مخالفت با رژیم عراق مبادرت ورزیده‌اند. در داخل عراق، گروه‌های شیعی جنوب در مقابل حکومت صدام حسین به مقاومت مسلحانه یکپارچه و هرچند ضعیف خود ادامه می‌دهند. هرچند تمامی گروه‌های عراقی به شیوه‌های گوناگون، نارضایتی خود را از رژیم عراق اظهار می‌دارند، اما جامعه شیعه، بخصوص از ۱۹۹۱، به سرسخت‌ترین دشمن این رژیم تبدیل شده است.

اگر شیعیان به قدرت سیاسی متناسب با جمعیتشان دست یابند، امکان دگرگون کردن چشم انداز سیاسی عراق و اثرگذاری قابل ملاحظه‌ای بر آینده شیعیان کشورهای عربی دیگر خواهند داشت. تأثیر یک جامعه شیعی قدرتمند عراقی بر شیعیان عرب دیگر، به سبب قومیت مشترک پیوند زبانی، فرهنگی و تاریخی به مراتب بیش از ایران است. علاوه بر این، اهمیت یافتن عراق در عرصه عربی به معنای آن است که شیعیان عراقی می‌توانند به تدریج، نگرش متداول سنیان نسبت به تشیع را تغییر دهند و تشیع را وارد جریان غالب فرهنگ عربی به عنوان یک کل کنند. بر این اساس، شیعیان عراقی مسئولیت‌هایی اجتماعی دارند که فراتر از مرزهایشان است: آنچه را آن‌ها برگزینند پیامدهایی اساسی برای هم‌مسلمانان شیعه‌شان در منطقه دارد و می‌تواند به بهبود شرایط شیعیان کشورهای عربی و یا وخیم‌تر شدن اوضاع آنان بینجامد. پیامدهای احتمالی دست‌یابی شیعیان به جایگاهی برجسته در عراق در دوران پس از جنگ خلیج به صورت قابل توجهی مورد ملاحظه و بررسی ایالات متحده و هم‌پیمانانش قرار گرفت و به تصمیمات هماهنگی درباره صدام انجامید که هنوز عراقی‌ها و بخصوص شیعیان عراقی آن را محکوم و مردود می‌دانند.

تأثیر شیعیان عراقی بر فرهنگ سیاسی عرب

شمار شیعیان عراقی با توان ۱۲ میلیون نفری شان بیش از جمعیت مقیم در کل کشورهای شورای همکاری خلیج است. (برای مقایسه، جمعیت جامعه لبنان، که دومین کشور بزرگ این شورا است، ۱/۲ میلیون نفر است.) این امر جلوه و نفوذی را برای آن‌ها در منطقه تضمین می‌کند که همانند آن‌ها در هیچ جامعه شیعی دیگری نمی‌توان یافت. شمار شیعیان و نیز جایگاه عراق در جهان عرب، سرانجام، فرصت منحصر به فردی در اختیار شیعیان این کشور قرار خواهد داد که به شکل دهی بینش‌های منطقه‌ای بپردازند و حتی به تدریج، برداشت رایجی از عرب‌گرایی و نیز ماهیت حکومت عربی را، که تحت تأثیر حکومت‌ها پدید آمده است، اصلاح کنند. گذشته از این، هیچ کشور دیگری حتی ایران، به اندازه عراق ارتباطی تنگاتنگ با تشیع ندارد، بخصوص جنوب عراق که خاستگاه معنوی اصلی تشیع و جایگاه حوادث حماسی و غم‌بار سال‌های اولیه اسلام است. از اوایل قرن نوزدهم تا اواخر دهه ۱۹۶۰ شهرهای مقدس عراق مراکز مهم تحصیل علوم دینی برای شیعیان جهان بودند. نقش و نفوذ عراق در رشد فکری و معنوی تشیع در طول تاریخ انکارناپذیر است، هرچند این امر در چند دهه‌ای که از حاکمیت رژیم بعث گذشته، خدشه دار و تضعیف شده و پس از انقلاب ایران، تحت الشعاع این کشور قرار گرفته است.

پس از جنگ جهانی اول، شیعیان عراقی به همراه سنیان در فرایند سازندگی کشور مشارکت داشتند. ابتدای تاریخ قرن بیستم عراق با مبارزاتی که به رهبری شیعیان و برای قطع وابستگی به حکومت بریتانیا انجام گرفت، پیوندی

تنگاتنگ دارد. «انقلاب» ۱۹۲۰ علیه بریتانیا، که از نظر تاریخی مقدم بر شکل گیری حکومت عراق توسط ملک فیصل و به دلایلی عامل تسریع آن بود، از سوی قبایل و روحانیان شیعی هدایت می شد؛ در صف مقدم انقلاب، مقامات عالی رتبه و برجسته شیعه غیرروحانی، تجار و شیوخ قبایل حضور داشتند که از جانب روحانیان شیعه حمایت می شدند. این انقلاب هرچند جنبشی صرفاً شیعی نبود و چهره‌های سرشناس سنی بسیاری در آن حضور داشتند، شهرت ملی رهبران شیعی متعددی همچون جعفر ابوالتیمن^۱ را که بسیار محبوب بود به دنبال داشت. وی بعدها به تشکیل احزاب ملی گرا مبادرت ورزید و یا در آن‌ها مشارکت داشت و به عنوان مدافع قطع وابستگی به بریتانیا نقشی فعال ایفا می کرد.

تشیع سیاسی در عراق، در دهه ۱۹۵۰ آغاز گشت. حوزه‌ها و مدارس علمیه نجف کوره حوادثی بودند که در آن ایده‌های روحانیان جوان و سیاسی جهان عرب شکل می گرفتند و به بیان درمی آمدند. محمد باقر صدر، روحانی جوان و باهوش عراقی، که خویشاوندانی در سرتاسر جهان شیعی داشت، نیرو و توان فکری عمده ای بود که از طرحی شیعی برای اسلام سیاسی پشتیبانی می کرد. انتقاد او از فلسفه‌های سیاسی کمونیستی و غربی و ارائه نوع اسلامی آن و نگرش او نسبت به حاکمیت مردمی در تشیع، پس از گذشت ۳۵ سال، همچنان بخشی از مرامنامه شیعیان اسلامگرا را تشکیل می دهد (و با بسیاری از سنت‌های رایجی که امروزه ایران خمینی ارائه می دهد، در تضاد است). روحانیان عرب غیرعراقی، همچون محمدحسین فضل الله از لبنان (که بعدها هدایت معنوی حزب الله لبنان را بر عهده گرفت) همکاری نزدیکی با صدر داشتند. نفوذ خود صدر و دیگر روحانیان عرب تحصیل کرده در نجف، در شکل گیری بعدی جنبش‌های سیاسی شیعی در سرتاسر جهان عرب اثرگذار بود.

کشور عراق علاوه بر اعتبار شیعی اش، در تحولات مربوط به هویت و تاریخ عرب مرکزیت داشته و به صورتی جدی در پیشرفت‌های اجتماعی، سیاسی و فکری مشرق عربی مؤثر بوده است. پس از جنگ جهانی اول، عراق اولین کشور عربی بود که به استقلال دست یافت، هر چند این امر با قیمومیت انگلستان همراه بود. این کشور پس از استقلال، محور تاریخ عرب بوده و به شکل گیری گفتمان و سیاست عرب کمک کرده است. برای مثال، در ۱۹۴۰ عراق نیروی محرکی برای تشکیل اتحادیه عرب بود و عراقی‌ها از دهه ۱۹۳۰ به بعد به توصیف ملیت عربی پرداختند. کشور عراق در کنار مصر و سوریه در زمینه تعلیم و تربیت، هنر، ادبیات و دانش پژوهی عامل مهمی در شکل گیری فرهنگ عربی به صورت کنونی اش بوده است. شیعیان عراقی سهم خود را در این فرایند بسیار مهم می دانند و آن را بخشی از میراث ملی عربی تلقی می کنند.

اگر شیعیان در عراق به جایگاهی سیاسی دست یابند، بی تردید همچون شیعیان لبنان خواستار تداوم فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی عراق در جهان عرب خواهند بود و البته درصدد تغییردادن برخی از تلقی‌های متداول در این جهان نیز برخوانند آمد، به ویژه تعصباتی که به شیعیان لطمه زده اند. پیشینه ای که شیعیان در عراق به جا می گذارند شدیداً مورد توجه مردم و حکومت‌های تمامی کشورهای منطقه قرار خواهد گرفت. با وجود نگرانی‌های

^۱ . Jafar Abul-Timman

نخبگان سنی در جهان عرب، شیعیان احتمالاً با این اعتقاد جزمی که حکومت‌های عربی ضرورتاً باید سنی باشند، مخالفت می‌کنند و به عرفی که عربیت را با سنی‌گرایی یکی می‌داند و مدت‌هاست در فرهنگ جهان عرب نهان است، پشت پا می‌زنند. به بیانی جسورانه‌تر، شیعیان عراقی می‌توانند گذشته را نیز تحت تأثیر قرار دهند؛ آن‌ها می‌توانند تاریخ‌نگاری عربی را به گونه‌ای بازسازی کنند که تشیع به عنوان مؤلفه‌ای اساسی از این تاریخ درآید. مثبت یا منفی بودن پیامدهای احیای سیاسی شیعی در عراق برای شیعیان عرب به عنوان یک کل، بسته به عوامل ذیل است: حلّ تنش‌های درونی و نیز تنش‌های میان شیعیان و سنیان، چگونگی تصمیم‌گیری آن‌ها در مورد مسائل داخلی، و نحوه ارتباط آن‌ها با کشورهای منطقه.

اگر قرار باشد شیعیان به سطحی از مشارکت دست یابند که تناسب بیشتری با تعدادشان داشته باشد، باید تغییراتی ساختاری در حکومت عراق صورت گیرند که دست کم به گستردگی تغییر انقلابی پادشاهی به جمهوری باشد که در ۱۹۵۸ صورت گرفت. شیعیان ناگزیر خواهند بود به ۳۰ سال حاکمیت اختصاصی بعثی‌ها خاتمه دهند و عادات و تعصباتی را که طی ۸۰ سال ریشه دوانیده‌اند، دگرگون سازند. نکته مهم‌تر اینکه شیعیان باید سنیان را متقاعد کنند که آنان خطری مهلك برای منافع سنیان نیستند و دموکراسی نیز یک «برنامه کار شیعی» و بهانه‌ای برای تبعیض معکوس نیست. حتی با فرض عزم راسخ شیعیان، این امر برای آنان کاری بسیار دشوار خواهد بود.

یافته‌های پژوهش

شیعیان از ابتدا در عراق اکثریت مخالف به شمار می‌آمدند. درباره‌ی سرآغاز گرایش مردم عراق به تشیع اختلاف نظر هست. برخلاف استنادات تاریخی درباره‌ی تشکیل خلافت حضرت علی ۷ در کوفه و مبنای حمایتی کوفه و بصره از قیام حضرت امام حسین ۷، پژوهشگران غیراسلامی، قدرت اصلی شیعیان عراق امروزی را به بخش‌های تازه-مسلمان-شده استناد می‌دهند؛ مثلاً برخی، پیدایش جامعه شیعی در عراق را در پی تحولات قرن نوزدهم دانسته، برخی دیگر، ریشه فکری تشیع جدید این سرزمین را ناشی از اسکان قبایل ایلی - عشیرتی در مناطق شهری می‌دانند. چراکه اسکان ایل‌ها در مجاورت و همسایگی جوامع شیعی و بقاع متبرکه خاص این مذهب، آنان را به تعریفی جدید از خود واداشت. همچنین فشار دولت سنی-مذهب عثمانی از یک سو، و وهابی-گری سعودی-ها از سوی دیگر، این گروه مهاجر را به تعریفی شیعی از خود وادار کرد. تشدید شیعه-گری در عراق را ناشی از حملات عثمانی در سال ۱۸۳۱م می‌دانند. تخریب اماکن متبرکه شیعی در ۱۸۴۳م نیز به اساس هویت شیعیان دامن زد. از این-رو، مخالفت شیعیان با دولت عراق، گرایشی درون-سیستمی دارد و آنان صرفاً داوطلب مشارکت در تعیین سرنوشت خود در داخل نظام سیاسی عراق-اند. به نظر برخی از نویسندگان در انقلاب مشروطه ایران (۱۹۰۶م) و عثمانی (۱۹۰۸م) بر این دیدگاه از ابتدا تأثیر گذاشته بود. با وجود این مخالفت سالم و درون سیستمی شیعیان، دولت عراق همیشه آنان را از دسترسی به قدرت محروم کرده است (سیف‌زاده، ۱۳۷۹: ۷۸). سرنگونی صدام زمینه حضور شیعیان و خروج آنها را از انزوا فراهم ساخت. از آن زمان، شیعیان در عرصه سیاسی - اجتماعی به-شدت فعال شده‌اند. به-گونه‌ای-که آمریکا که با شعار استقرار دموکراسی به اشغال عراق مبادرت ورزید، نمی‌تواند

اکثریت شیعه این کشور را نادیده بگیرد و از ورود آنها به عرصه سیاست و حکومت جلوگیری کند. سرنگونی صدام و نقش تأثیرگذار شیعیان بر کنترل بحران‌های پس از آن، موجب ایجاد و گسترش نوعی خودآگاهی و خودباوری و توجه به اهمیت خود در معادلات سیاسی شده است. در همین راستا، مرجعیت شیعه که همواره جایگاه و نفوذ گسترده‌ای در بین شیعیان داشته، در این دوره نقش بسیار تأثیرگذاری در دولت‌سازی در عراق ایفا کرده است (تلاشان، ۱۳۸۹، ۸). شیعیان که اکثریت جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند، بیشتر در مناطق جنوبی و مرکزی عراق سکونت دارند. نسبت به مبدا و آغاز گرایش مردم عراق به تشیع اختلاف نظر وجود دارد. برخلاف استنادات تاریخی نسبت به تشکیل خلافت حضرت علی علیه‌السلام در کوفه و مبنای حمایتی کوفه و بصره از قیام حضرت امام حسین علیه‌السلام، پژوهشگران غیراسلامی، عمده قدرت شیعیان عراق امروزی را به بخش‌های تازه مسلمان شده استناد می‌دهند و حتی برخی پیدایش جامعه شیعی در عراق را در پی تحولات قرن نوزدهم می‌دانند.

شیعیان عراق از نظر فرهنگی نشانگر ترکیب فرهنگ خاصی هستند که از دو مجموعه فرهنگی قوی عربی و مذهب شیعی تشکیل می‌شود. قومیت عربی شیعیان عراق آنها را به اعراب سنی پیوند می‌دهد و آنها از نظر آداب و رسوم و پیوندهای قبیله‌ای با اعراب اشتراکات زیادی دارند، اما مذهب شیعی باعث تمایز فرهنگی آنها از جهان عرب اهل سنت می‌شود. وجود مقبره امامان شیعه در شهرهای مقدس عراق همچون کربلا و نجف، و همچنین وجود حوزه علمیه نجف و در نتیجه حضور دایمی علمای شیعی در این شهرها باعث تقویت فرهنگ شیعی شده است و این امر شیعیان عراق را از نظر فرهنگی به ایرانیان شیعی مذهب نزدیک ساخته است. به رغم حاکمیت رژیم‌های سکولار و غیردینی در عراق طی سال‌های گذشته، هنوز فرهنگ شیعی و رفتارهای مبتنی بر آن در این کشور قوی است و تحولات عراق بعد از صدام این مسئله را به خوبی نشان می‌دهد. اعراب سنی بخش دیگری از ساختار فرهنگی اجتماعی عراق را تشکیل می‌دهند. این بخش از ساختار فرهنگی عراق براساس قومیت عربی و مذهب سنی ایجاد شده و به دلیل حاکمیت اقلیت اعراب سنی در طول دهه‌های گذشته در عراق تقویت شده است. گرایش‌ها و عصبیت عربی این بخش از فرهنگ عراق بسیار قدرتمند بوده و پان عربیسم به عنوان یک ایدئولوژی سیاسی فعال در عراق و حتی جهان عرب در این فرهنگ ریشه داشته است. این بخش از ساختار فرهنگی عراق به دلیل حمایت‌های نظام سیاسی در پی تسلط بر سایر بخش‌ها و همسان سازی فرهنگی بوده است.

یافته‌های پژوهش

کشور عراق، با اینکه در طول تاریخ استقلال خود، همواره جمعیت با اکثریت شیعه داشته است به دلیل اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک، مورد طمع قدرت‌های فرامنطقه‌ای بوده و با وجود ظرفیت‌های اقتصادی بسیار بالا، ناگزیر گونه‌های مختلف فقر و ناامنی را تجربه کرده است. شاید یکی از دلایل اصلی بی‌ثباتی در عراق، وجود اکثریت شیعه باشد که هیچ‌گاه حاکمیت سلطه به دلیل سنی بودنش نتوانسته است آن‌گونه که با دیگران کنار آمده است، با آنان کنار بیاید. بنابراین، تاریخ نود ساله استقلال عراق بیانگر ظلم و فشار بر شیعیان بوده است. شیعه امامیه از آغاز اسلام تحت فشار و تهاجم قرار گرفته؛ اما هیچ‌گاه نابود نشده و به عقاید آن خدشه‌ای وارد نشده است.

بنابراین، شیعه عراق با وجود اکثریت، هیچ‌گاه فرصت حکومت را نیافته و همیشه در صف اول مبارزه با سلطه قرار گرفته است (اکبری، ۱۳۸۸، ص ۳۳). نهضت امام حسین ۷ درگسترش تدریجی شیعه نقش بسزایی داشت، به طوریکه گرایش به مذهب شیعه تا آخر حکومت بنی امیه ادامه داشت (جویس، ۱۳۷۳، ص ۲۷). جنبش‌های شیعیان در زمان حاکمیت عباسیان و مغول‌ها بر عراق ادامه پیدا کرد. از سال ۴۱ تا ۱۳۲ هجری عراق زیر سلطه حکومت امویان قرار گرفت. در دهم محرم سال ۶۱ هجری بود که واقعه عاشورا و شهادت امام حسین ۷ توسط یزید بن معاویه خلیفه دوم اموی، در کربلا روی داد. در سال ۱۳۲ ق عباسیان جای بنی‌امیه را گرفتند. ابوالعباس، نخستین خلیفه عباسی بود که در این سال در کوفه به خلافت نشست. از سال ۹۱۴ ق که عثمانی‌ها بر بغداد مسلط شدند، شیعیان تحت ظلم و استبداد عثمانی‌ها قرار داشتند تا اینکه در سال ۱۹۱۷ م عراق توسط انگلستان اشغال شد. با اینکه اشغال عراق موجب رهایی شیعه از ظلم عثمانی‌ها شد، ولی در سال ۱۹۱۸ م شیعیان تحت رهبری علمای زمان، از جمله محمد تقی شیرازی و آیت الله ابوالحسن اصفهانی، مبارزه برضد انگلیس را آغاز کردند و سرانجام انگلیس به ناچار استقلال عراق را به رسمیت شناخت. در انقلاب معروف به ثورة العشرين، قیام مراجع برضد بریتانیا در سال ۱۹۲۰ م، انگلیسی‌ها و نظامیان سنی کشتار عظیمی از شیعیان به راه انداختند. در سال ۱۹۳۵ م قیام گسترده‌ای علیه زمامداران حکومت صورت گرفت. هم‌زمان شیعه در اعتراضات خود، مطالبات جدیدی را مطرح کرد. این مطالبات عبارت بودند از:

عضویت در پارلمان به نسبت جمعیت شیعه؛ ۲. انتخابات آزاد؛ ۳. آزادی مطبوعات؛ ۴. کاهش مالیات.

در این سال قیام گسترده شیعیان، به ویژه در فرات الاوسط به اوج خود رسید و تا سال ۱۹۳۶ م ادامه یافت. با آغاز سلطه حکام عرب ناسیونالیست بر عراق، فعالیت رهبران شیعه شدت بیشتری گرفت. آنان که کمونیسم و ناسیونالیسم را مخالف اسلام می‌دانستند، برای مقابله با این دو جریان، حزب الدعوة اسلامی را در ژوئیه ۱۹۵۸ م تشکیل دادند. هم‌زمان، احزاب سنی اسلامی مانند اخوان المسلمین و حزب التحریر اسلامی نیز در عراق فعالیت خود را آغاز کردند. حزب الدعوة اسلامی فعالیت مشترک خود را با اخوان المسلمین برای ایجاد حکومت اسلامی در عراق آغاز کرد. در سال ۱۹۶۸ م که حزب بعث قدرت را در دست گرفت، شاهد اوج خشونت بعثی‌ها برضد شیعیان عراق هستیم. نظام سلطه در دوران‌های مختلف حکومت عراق، اثرات فراوانی را بر شیعه عراق داشته است که مهم‌ترین این آثار عبارت‌اند از:

۱- مدیریت فقر در عراق، به ویژه در جوامعی شیعی، برای جلوگیری از طغیان و استقلال‌طلبی آنها؛

۲- توسعه و تعمیق اختلاف در میان شیعیان و حتی بزرگان شیعه به منظور جلوگیری از وحدت آنها؛

۳- بی‌ثباتی در اتحادها و تصمیمات مشترک در جوامع شیعی؛

۴- نداشتن استراتژی برای حکومت اسلامی در آینده از سوی رهبران شیعی عراق؛

۵- اقتناع جوامع شیعی برای تأمین حداقل مطالبات خود (اکبری، ۱۳۸۸، ص ۴۱-۴۸)

شیعیان عراق با اینکه حدود شصت درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند، به لحاظ تاریخی حاشیه‌نشین بوده‌اند. آزار و تعقیب شیعیان در دوران حکومت بعثی، به‌ویژه تحت نظارت گرفتن علما، باعث احساس محدودیت و مظلومیت در بین آنان شده است. بنابراین طبیعی است از هر نوع تقسیم قدرت و سهم گرفتن از آن استقبال می‌کنند. از سوی دیگر، شیعیان دارای نوعی سازمان‌دهی درونی‌اند که از توجه آنان به علما ناشی می‌شود. گاه این سازمان‌دهی بر محور علمای بزرگ یا بیت آنان شکل می‌گیرد (مانند گروه صدر و جیش‌المهدی)؛ اما افزون بر آنها، احزاب و گروه‌های شیعی که با صدام مبارزه می‌کردند، همچون مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق و حزب‌الدعوة الاسلامیه، نیز نفوذ و اعتباری دارند. بنابراین، سازمان‌دهی و تسلط بر منابع غنی زیرزمینی و زراعی (با توجه به محل سکونت شیعیان که اغلب نواحی جنوبی و مرکزی عراق است)، و جمعیت قابل توجه، از امتیازات شیعیان به شمار می‌آیند. (قاسمی، ۱۳۸۹: ۴۱)

۴- گروه‌های اسلام‌گرای شیعی در عراق

گروه‌های اسلام‌گرای شیعی را می‌توان به دو جریان میانه‌رو و لائیک تقسیم کرد؛ که هر کدام سعی دارند تحولات عراق را تحت تاثیر قرار بدهند.

۱- حزب‌الدعوة الاسلامیه (گروه‌های اسلام‌گرای شیعی میانه‌رو)

واژه دعوه در مفهوم مذهبی آن، به معنی دعوت بشر به ایمان آوردن به مذهب واقعی یعنی اسلام است. این کلمه در مفهوم سیاسی، به معنای دعوت مردم به برگرفتن آرمان اسلام است. در اواخر دهه ۱۹۵۰م، علمای عراق دعوت را به هر دو مفهوم آن صادر نمودند از نظر علما، اسلام در خطر بود و خود آنها به عنوان یک گروه اجتماعی، رو به زوال داشتند و گرایش به امور دنیوی موجب تضعیف جایگاه تاریخی آنها شده بود. ناسیونالیسم عربی و کمونیسم نیز تعداد زیادی از عراقی‌ها را جلب کرده بودند. هر دو ایدئولوژی، غیرمذهبی بودند و جدایی مذهب از دولت و مردود شناختن دخالت روحانیون در سیاست، بخشی از جوهرمایه این ایدئولوژی‌ها را تشکیل می‌داد. ناسیونالیسم عربی با جامعیت اسلام مخالف بود و کمونیسم نیز اصل مذهب را تهدید می‌کرد. در اواخر سال ۱۹۵۷م، جلساتی در منزل یکی از علمای بانفوذ و جوان، به نام سیدمحمدباقر صدر (۱۹۳۱-۱۹۸۰) تشکیل شد تا راه‌ها و اقدامات اصلاحی احتمالی را به بحث بگذارند. آنها تحت تاثیر ایده‌های اخوان‌المسلمین مصر، و به‌ویژه حسن بنا، توجه خود را روی آیه ۱۱ سوره رعد قرآن متمرکز کردند: به‌درستی که خداوند شرایط یک قوم را تغییر نمی‌دهد، مگر وقتی که آنها آنچه را که در نفس‌هایشان هست، تغییر دهند (ادیب، ۱۳۸۳، ص ۱۶-۳۵)

استراتژی حزب الدعوة الاسلامیه برای ایفای نقش خود و دستیابی به هدف نهایی، روی مرحله‌بندی هدف‌ها استوار است. استراتژی مرحله‌بندی مبارزه، بر ضرورت ایجاد پایه‌های فکری - فرهنگی استوار به‌مثابه پیش‌زمینه ورود در صحنه کشمکش‌های سیاسی پایه‌ریزی شده است.

این استراتژی حزب‌الدعوة بر مراحل زیر استوار است

۱- مرحله تحول‌خواهی به‌مثابه پیش‌زمینه تحولات عملی

۲- مرحله سیاسی

۳- مرحله حضور در خصوص عرصه قدرت سیاسی و نظارت

حزب-الدعوه در سازوکار دستیابی به قدرت و شکل آن، به پلورالیسم حزب و رأی مردم از طریق برگزاری انتخابات معتقد است. در واقع، این حزب به سیستم نظام پارلمانی متکی بر قانون اساسی، به منزله مقدمه دستیابی به دولت اسلامی معتقد است؛ زیرا تنها گزینه، نظام پارلمانی متکی بر قانون اساسی است که دولت را پس از برگزاری انتخابات آزاد عمومی تشکیل می‌دهد. در ۱۳ ژوئن ۱۹۸۰ حامیان آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر «انتفاضه رجب» را از منزل وی در نجف آغاز کردند. ایشان نیز بر لزوم مبارزه همگان برضد حزب بعث فتوا دادند. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، بسیاری از جوانان عراقی نیز جرئت بیشتری یافتند و به فعالیت سیاسی فراگیر برضد حزب بعث پرداختند (ادیب، ۱۳۸۳، ص ۳۱).

۲- سازمان عمل اسلامی

از دیگر جریان‌های اسلام-گرا در عراق، می‌توان به پیدایش «سازمان عمل اسلامی» در سال ۱۹۶۱م توسط آیت‌الله محمد شیرازی در کربلا، اشاره کرد. نام این گروه، «عمل اسلامی»، به معنای بسیج جامعه شیعه در راه رسیدن به دولت اسلامی بود. در پی آن، گروه‌های اسلامی دیگری نیز با هدف‌های دیگری چون مخالفت با توسعه کمونیسم و فعالیت در جهت تأسیس دولت الهی در آینده، تشکیل شدند. برای نمونه، در سال ۱۹۶۲م «جماعت الانصار الدعوه» که به گروه انصار نیز معروف است، برای کمک به مأموریت دعوت مردم به اسلام تشکیل شد. اعضای این گروه، مسلمانان مخلصی بودند که تحصیلات آنها از اعضای حزب-الدعوه به میزان قابل ملاحظه‌ای کمتر بود (همان، ص ۱۹).

۳- مجلس اعلا انقلاب اسلامی عراق

مجلس اعلا یکی - دیگر از جریان‌های اسلام-گرای میانه-رو شیعه در کشور عراق - است. این مجلس در ۱۷ نوامبر ۱۹۸۲م، توسط «محمد باقر حکیم» تشکیل شد. این سازمان، خود را نماینده تمام مردم مسلمان عراق از سنی و شیعه توصیف کرد و جمهوری اسلامی ایران را پایه و اساس (و نخستین پیشنهادکننده) انقلاب اسلامی جهانی خواند. تشکیل مجلس اعلا، در واقع مقدمه تشکیل دولت موقت عراق بود که در صورت تصرف بصره، دومین شهر بزرگ عراق، می‌توانست مسئولیت اداره امور را برعهده بگیرد. هر چند بصره تصرف نشد، اما مجلس اعلا به کار هماهنگی فعالیت‌های گروه‌های اسلامی عراق ادامه داد.

کمیته مرکزی سازمان، که در ابتدا شانزده نفر عضو داشت، تقریباً به‌طور مرتب تحت رهبری حجت‌الاسلام محمدباقر حکیم جلساتی تشکیل داده است. مجلس اعلا، در کل فاقد جلسات منظم دوره‌ای است؛ اما در واقع تقریباً سالی یک-بار جلسه تشکیل داده است. این سازمان همچنین، هفته‌نامه‌ای به نام «الشهادة» منتشر می‌کند. در سال ۱۹۸۳م مجلس اعلا نیروی نظامی خود را با حدود دویست داوطلب بنیان نهاد و پایگاهی در حاج-عمران، واقع در کردستان عراق، ایجاد کرد و رزمندگان مسلمان عراق را به آنجا فراخواند. مبارزان مجلس اعلا انقلاب

اسلامی در عراق، ضمن شرکت در عملیات نیروهای ایرانی برضد ارتش عراق، به دلیل حمایت مالی و لجستیکی کویت از عراق، به چند محل در کویت حمله کردند؛ حمله به سفارت آمریکا در دسامبر ۱۹۸۳م، یکی از این موارد بود.

عراق، خود بعدها کویت را هدف حمله نظامی قرار داد. از دسامبر ۱۹۸۷م روند هم-گرایی معارضان عراقی با تشکیل جلسه‌ای در ایران آغاز شد و ادامه یافت. پس از پایان حمله نظامی آمریکا و متحدانش به عراق، شیعیان جنوب عراق و کردهای شمال، در برابر دولت صدام قیام کردند که به «انتفاضه شعبانیه» معروف شد.

در آن زمان، ائتلاف گروه-های اسلامی سه نوع واحد نظامی داشت: نیروهای ویژه؛ نیروهای ذخیره و نیروهای بسیج. نیروهای ویژه «سپاه بدر» نام داشت که در داخل عراق عملیات چریکی انجام می-داد؛ اما در عملیات نظامی ایران نیز شرکت می-کرد. از جمله نیرو-های بدر، نیروی ویژه «حمزه»، متشکل از اسرای جنگی عراقی بود که نیروهای اسلامی مخالف دولت عراق بودند. واحد بسیج نیز از داوطلبانی تشکیل شده بود که آموزش نظامی ابتدایی دیده بودند و سلاح-های سبک داشتند؛ اما پولی دریافت نمی-کردند. در داخل عراق، مجلس اعلا در امر تدارک گروه-های اسلامی مستقل و همچنین مجاهدان خود، کمک می-کرد. دو گروه کرد نیز به عضویت مجلس اعلا درآمدند که عبارت بودند از: جنبش اسلامی کردستان، به رهبری شیخ عبدالرحمن نوارسی و ملاعثمان عبدالعزیز؛ و حزب-الله کردستان، به فرماندهی محمد خالد بارزانی.

مجلس اعلا به منظور تقویت اداره خود برای ادامه مقاومت و فعالیت-هایش، دفاتر زیادی در نقاط مختلف دنیا دایر کرده بود و فعالیت‌های زیاد و گوناگونی داشت. مجلس اعلا در ژوئن ۱۹۹۰م بیانیه-ای را منتشر کرد که در آن، مخالفت گروه-های اسلامی عراق با دولت بعث بررسی شده بود. این مخالفت-ها با درگیری میان احمد حسن الکبیر و آیت-الله محسن حکیم در سال ۱۹۶۹م آغاز شده بود و تا دوره بعد از جنگ ایران و عراق به صورت عملیات چریکی ادامه یافت. این بیانیه از مردم عراق می-خواست تا زمان سرنگون شدن صدام ستمگر، به مبارزه خود ادامه دهند (جویس، ۱۳۷۳، ص ۵۷)

حزب-الدعوه و مجلس اعلا عراق جزء گروه-های اسلام-گرای اهل تشیع در عراق هستند که می-کوشند از طریق راهکارهای مسالمت-آمیز و مذاکره، و با استفاده از ظرفیت-های مدنی، اهداف خود را پیش برند (دکمجیان، ۱۳۷۷، ص ۱۹)

هدف از تشکیل مجلس اعلا در اوایل دهه ۱۹۸۰م در واقع تمرکز دادن به نیروهای جهادی عراق با همکاری اعضای حزب-الدعوه برضد رژیم بعث بوده است. مجلس اعلا از همان ابتدای شکل-گیری توانست یک وجهه-بین-المللی پیدا کند؛ اما بعد از مدتی، اختلافات آن با اعضای حزب-الدعوه افزایش یافت و تعدادی از گروه‌های وابسته به حزب مجلس اعلا را ترک کردند. در اواخر دهه ۱۹۸۰م، مجلس بیشتر به طرف-داران آیت-الله سیدمحمدباقر حکیم اختصاص یافت، پس از حمله آمریکا به عراق و سقوط رژیم بعث، حزب-الدعوه بار دیگر به مجلس اعلا پیوست و

اکنون این دو تشکل مهم، در کنار یکدیگر، برای آینده عراق همکاری می‌کنند و به عنوان دو حزب منظم و باقدرت، در ساختار سیاسی عراق حضور دارند.

مجلس اعلاای اسلامی عراق و حزب-الدعوه، اکنون اعتبار دو عالم بزرگ شیعیان عراق را با خود همراه دارند، مجلس اعلاا اعتبار شهید آیت-الله سیدمحمدباقر حکیم و پدر ایشان مرحوم آیت-الله سیدمحسن حکیم، و حزب‌الدعوه اعتبار شهید سیدمحمدباقر صدر را با خود دارند. این دو شخصیت، از علمای بانفوذ جامعه شیعه عراق به-شمار می‌آمدند. شهید حکیم در خطبه نماز جمعه نجف اشرف، پیش از شهادت خود، به تعیین خط-مشی اساسی جریان خود در قبال حضور اشغالگران پرداخت و آن عبارت بود از: مقاومت سیاسی است. هم-اکنون این تشکل با رهبری سید عمار حکیم، نقش برجسته‌ای در ساختار سیاسی عراق دارد. ویژگی-های برجسته این جریان میانه-رو عبارت-است از:

۱- برخورداری از پایگاه اجتماعی گسترده در میان شیعیان عراق

۲- ارتباط بسیار تنگاتنگ با مرجعیت شیعه، به ویژه حضرت آیت-الله سیستانی

۳- تلاش برای ارتقای جایگاه شیعیان با استفاده از ظرفیت-های مدنی و مسیرهای سیاسی

۴- نگاه ابهام-آمیز به حضور اشغال-گران و عدم موضعگیری درباره خروج آنها

۴-جماعه‌العلما

تحركات اولیه برای تشکیل جماعه‌العلما، در اواسط یا اواخر سال ۱۳۷۸ق/۱۹۵۹م، آغاز شد؛ اما اعلام رسمی تشکیل آن در سال ۱۳۷۹ق/۱۹۶۰م، همزمان با سالروز ولادت امام علی ۷ در شهر نجف اشرف اتفاق افتاد. اگرچه حضور تعدادی از مؤسسان اولیه حزب-الدعوه در ترکیب اعضای اصلی جماعه‌العلما، نقاط مشترکی را بین این دو گروه به وجود آورده بود، اما واقعیت آن است که برخلاف حزب-الدعوه، انگیزه تشکیل این گروه، بیشتر اعتقادی بود تا سیاسی. مبارزه با گسترش کمونیسم و تأکید دوباره بر آموزه‌های شیعه و اصول اسلام، از اهداف مهمی بود که بنیان-گذاران جماعه‌العلما در پی آن بودند.

از سوی دیگر، فعالیت این گروه نیز منحصراً با حضور طبقه روحانی و تحت نظارت دقیق مرجعیت آغاز شد. بی‌شک، پشتیبان و حامی واقعی این گروه، آیت-الله سیدمحسن حکیم، مرجعیت اعلاای وقت شیعه بود؛ زیرا بدون رضایت وی تشکیل چنین اجتماعی از علما، حتی تصور نمی‌شد. در واقع، جماعه‌العلما که بعدها زمینه سقوط حکومت عبدالکریم قاسم را در سال ۱۹۶۳م به-وجود آورد، مجموعه‌ای از علما، مجتهدان و فضلاای حوزه علمیه نجف را دربر می‌گرفت که از برجسته‌ترین آنها می‌توان سیدمرتضی آل-یاسین و سیداسماعیل صدر (به ترتیب دایی و برادر سید محمد باقر صدر) را نام برد. برخلاف حزب-الدعوه که بنیان-گذاران آن بیشتر از نسل جوان بودند، ده نفر از شخصیت‌های رده-اول جماعه‌العلما بالغ بر شصت سال سن داشتند که در حوزه علمیه از جایگاهی عالی یا متوسط برخوردار بودند. اهداف اصلی بنیان این گروه، اجرای برنامه‌هایی در راستای دفاع از ارزش‌های اسلامی و بهبود شرایط زندگی شیعیان عراق در حوزه‌های مختلف اجتماعی بود. در راستای اجرای این سیاست و تحت تأثیر

اقدامات سازمان اخوان-المسلمین مصر، این گروه به تأسیس مراکز بهداشتی، فرهنگی و صندوق‌های خیریه، برای کمک به نیازمندان، فقرا و یتیمان اقدام کرد. همچنین بنیان-گذاران جماعه‌العلماء، به منظور تحول در نظام آموزشی حوزه، ده مدرسه در سطوح ابتدایی، راهنمایی و متوسطه، در شهرهای بغداد، بصره، حله و نعمانیه احداث و افتتاح کردند. این مدارس، جدا از دانشکده الهیات بود که در بغداد و تحت نظارت و سرپرستی سیدمهدی حکیم و سیدمرتضی عسگری راه‌اندازی شد. بدین ترتیب، با حمایت مالی و معنوی آیت-الله سیدمحسن حکیم، جماعه‌العلماء به-تدریج به گروهی مؤثر در سیاست‌گذاری‌های جامعه شیعی عراق تبدیل شد.

جماعه‌العلماء در شرایطی پا به عرصه گذاشت که در نتیجه فعالیت گسترده کمونیست‌ها و قدرت‌گیری آنان با انقلاب ۱۹۵۸م توسط عبدالکریم قاسم شهر نجف شاهد انتشار انبوهی از نشریات، هفته‌نامه‌ها و کتاب‌هایی در زمینه مبارزه با کفر و الحاد بود. یکی از مهم‌ترین اقدامات فرهنگی جماعه‌العلماء انتشار نشریه‌ی اضواء الاسلام بود که در جایگاه سخنگوی گروه عمل می‌کرد. اضواء الاسلام در خودآگاهی نسل جدید شیعه عراق و آشنایی آنان با تفکرات نوین اسلامی بسیار مؤثر واقع شد. یکی از بخش‌های قابل توجه در این مجله، انتشار مقالات آیت-الله سیدمحمدباقر صدر در ستونی با عنوان «رسالتنا» بود. این مقالات که در خصوص موضوعات مختلف و با دیدگاهی اسلامی منتشر می‌شد، به واسطه بار معنایی، وضوح و روشنی، و ایجاد روحیه امید، اهمیت خاصی داشتند (دادفر، ۱۳۸۸، ص ۲۴-۲۶)

۵- جریان لائیک

ایاد علاوی یکی از سکولارترین و معتدل-ترین نیروهای سیاسی در عرصه سیاسی عراق است. شیعه و بعثی بودن او باعث شده است که به نوعی نماد اتحاد شیعیان لائیک و سنی در عراق باشد. بیشتر جریان‌های قومی، مذهبی و سیاسی، مخالفت جدی با او نداشته‌اند. وی در پایان جنگ، از معدود افرادی بود که- با اقدام نیروهای ائتلاف در انحلال حزب و ارتش عراق مخالفت کرد و آن را باعث افزایش هرج-ومرج دانست. اعتراض شدید او به حمله گسترده ارتش آمریکا به عراق، باعث افزایش نسبی محبوبیت او در بین مردم شد. مختصات جریان لائیک عبارت- است از:

۱- نداشتن پایگاه اجتماعی گسترده در میان مردم عراق

۲- دنباله-روی از سیاست-های راهبردی آمریکا در عراق

۳- ستیز با جریان‌های شیعی اصیل

۴- مخالفت با ارتباطات میان عراق جدید و جمهوری اسلامی ایران

۵- هم-صدایی با همسایگان عرب سنی در منطقه

۶- عدم ارتباط با مرجعیت عراق.

۶- حضرت آیت-الله سیستانی

پس از درگذشت آیت-الله خوبی آیت-الله سیستانی مرجعیت اسلامی شیعیان عراق را برعهده گرفت. او چهره بانفوذ حوزه‌های علمیه شیعه در این کشور به-شمار می-رود. وی افزون بر عراق، در پاکستان، افغانستان، عربستان، کشورهای حاشیه خلیج فارس، شیعیان اروپا و آمریکا، و ایران نیز مقلدانی دارد. حضرت آیت-الله سیستانی در ۱۵ آذر ۱۳۸۲ آمریکا را مجبور کرد تا درخصوص اصلاح طرح انتقال قدرت به مردم عراق اقدام کند. وی همچنین در دیدار با جلال طالبانی رئیس-جمهور عراق عنوان کرد: ما با ایجاد یک نظام مردم-سالار در عراق مخالفتی نداریم؛ بلکه بر ضرورت ایجاد چنین نظامی تأکید هم می-کنیم. آیت-الله سیستانی اشغالگران را تحت فشار قرارداد تا در این کشور انتخابات آزاد برگزار کنند. اشغالگران در ابتدا با ادعای فراهم نبودن شرایط برای برگزاری انتخابات، از انجام آن سر باز می‌زنند؛ ولی سرانجام با تظاهرات صدهزارنفری مردم، با برگزاری انتخابات همگانی در ژانویه ۲۰۰۴ موافقت می-کنند. این نشان دهنده میزان قدرت و نفوذ مرجعیت بود (تلاشان، ۱۳۸۹: ۹).

۷- جریان سید مقتدا صدر

سیدمقتدا صدر فرزند سیدمحمدصادق صدر است که در سال ۱۹۹۹م به دست عوامل صدام ترور شد. با اینکه بسیاری از تحلیل-گران غربی مقتدا صدر را فاقد مشخصات لازم برای رهبری شیعیان می-دانند، وی از وجهه خوبی در میان شیعیان عراق برخوردار است. طرف-داران وی، اغلب آن دسته از جوانانی-اند که فقر و بدبختی خویش را به سیاست-های رژیم صدام و اشغال-گران به-ویژه آمریکا نسبت می-دهند. مقتدا صدر شرط کنار گذاشتن مبارزه با اشغال-گران را بیرون رفتن آنها از عراق عنوان می-کرد، او همچنین نفوذ زیادی در میان عشایر دارد. مقتدا صدر از میان جوانان، سپاهی با عنوان «جیش المهدی» راه انداخته است. او مسائل عراق و فلسطین را مرتبط و مشترک اعلام می-کند و از این طریق، خود را در صحنه کشورهای عربی قرار می-دهد. صدر اعلام کرده است ما به فلسطینیان و دیگر ملت-های ستم-دیده در خاور نزدیک اطمینان می‌دهیم که با ستمگران نبرد خواهیم کرد و بر آنان پیروز خواهیم شد. همچنین، او خود را حامی حماس و حزب-الله معرفی کرده است. مقتدا صدر با این ویژگی-های خود، حمایت قشر عظیمی از ناراضیان سنی را نیز به-ویژه در فلوجه، به خود جلب کرده است.

به-طور کلی می-توان ویژگی-های جریان صدر را به قرار زیر مشخص کرد:

- ۱- مخالفت شدید با اشغال-گری آمریکا و تحریم هرگونه مداخلات با این کشور؛
- ۲- مخالفت نداشتن با دیگر جریان-ها و گروه-های شیعی؛
- ۳- برخورداری از یک منطق درونی، مبنی بر لزوم حفظ شیعیان به صورت یک کل تجزیه-ناپذیر؛
- ۴- پرهیز از تقابل با مراجع بزرگ شیعه، مثل آیت-الله سیستانی؛
- ۵- برقراری رابطه ویژه با جمهوری اسلامی ایران؛
- ۶- برخورداری از پایگاه اجتماعی قابل توجه و بیشترین طرفداران در شهرک صدر بغداد که بالغ بر دو میلیون نفر در آن زندگی می‌کنند.

۵- دلایل عدم موفقیت شیعیان در دستیابی به قدرت، پیش از اشغال عراق

جنبش‌هایی که در عراق به وجود آمدند، افزون بر سرکوبی از طرف حکومت و جلوگیری از موفقیت آنان، گرفتار موانع و آفات بازدارنده درون-ساختاری نیز بودند که طی دهه‌های اخیر عدم موفقیت آن‌ها را موجب شده است. مهم‌ترین عوامل این عدم موفقیت عبارت‌اند از:

۱- ضعف فرهنگی شیعیان و وضعیت نیمه-مدنی آنان، با توجه به شرایط خاص اقلیمی، به ویژه در جنوب عراق؛

۲- نبود رهبری مقتدر و ناآگاهی سیاسی رهبران؛

۳- ایرانی بودن برخی مراجع عراقی؛

۴- تفاوت‌های رویکرد مبارزاتی شیعیان با سنی‌ها؛ چه اینکه سنی‌ها اساساً بیشتر طرف-دار اصلاحات و تغییر از بالايند؛ ولی شیعیان خواهان اقدامات انقلابی و تغییر از پایین هستند؛

۵- حذف فعالیت‌های نظام-مند و تشکیلاتی بین شیعیان (غلامی قمی، ۱۳۸۶، ص ۱۷)

حجت‌الاسلام سیدباقر مهري در بیان علت اینکه چرا مهم‌ترین جنبش و سازمان سیاسی اسلام-گرای شیعه، یعنی حزب-الدعوه، نتوانسته است به خواسته‌های خود در دوران حکومت صدام پیش از سقوطش دست یابد، می‌گوید: این ناتوانی ناشی از نگرش‌های برابرطلب یا به-عکس سلسله-مراتبی در حزب است؛ زیرا او معتقد است که روحانیت و طلاب حوزه علمیه، بزرگ‌تر و والاتر از آن‌اند که داخل تشکیلات حزبی شوند؛ بلکه همیشه علمای مبارز و متعهد، سرپرست و ناظر بر تحرک و کارهای احزاب-اند. وی همچنین بر این نکته تأکید کرده بود که سازمان-دهی در حزب-الدعوه الاسلامیه باید هرمی شکل و از بالا به پایین باشد که این گونه نیز هست.

چنین برداشت فرادستانه - فرودستانه، بعدها موجب تفرقه بین طرف-داران ولایت فقیه شد. اعضای حزب، دو دیدگاه موسع و مخفف از اختیارات ولایت را مطرح کردند. گروهی از اعضای حزب مدعی بودند حوزه اختیارات ولی فقیه فراقانونی است؛ که در نتیجه آن، گروهی از اعضای حزب از آن جدا شدند (حجت‌الاسلام مهري، ۱۳۶۱، ص ۳۵).

آیت-الله حکیم، رهبر مجلس اعلا و حزب-الدعوه عراق، عوامل دخیل در ناکامی‌های مبارزان شیعی را چنین برمی-شمارد: بی-توجهی رژیم عراق به منافع ملی؛ نبود سازمان-دهی نیروهای مردمی؛ دفعی بودن انقلاب و آماده نبودن مردم؛ و سرانجام، نبود رهبری واحد.

حسین علوی در توضیح علل ناکامی شیعیان عراق، به پنج عامل اشاره می‌کند:

۱- فقدان اجماع درباره رد دیکتاتوری در امر حکومت

۲- نبود پیوند عاطفی و ارتباطی میان توده‌ها و گروه‌های اسلامی

۳- نبود حمایت خارجی

۴- ترس خارجی‌ها از بنیادگرایی

۵- نبود درک ضرورت استقرار قیام، به مثابه ابزاری برای پیروزی (سیف‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۳۵)

عامل دیگری که در ناکامی شیعیان و گروه‌های اسلام-گرای شیعی دخیل بوده، الزامات منافع ملی کشورهای منطقه و استراتژی قدرت-های بزرگ در قبال عراق است؛ چراکه آنها معتقدند خطرناک-ترین مذهب اسلامی، مذهب تشیع است که به مذهب، محتوای سیاسی می-دهد و عنصر فداکاری و شهادت و مبارزه با ظلم و استعمار و عدم همکاری با حکومت-های غیراسلامی، در زمره اساسی-ترین فعالیت-های آنان به-شمار می-رود. مجموع عوامل یادشده، باعث افول قدرت شیعیان در عراق تا پیش از سقوط صدام حسین شد.

۶- موضع شیعیان پس از اشغال عراق

ورود آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳م و اشغال این کشور، و در مقابل، سکوت شیعیان تحت ظلم صدام و حزب بعث، در واقع به این مفهوم بود که شیعه نه با بقای رژیم بعث موافق بود و نه به اشغال آمریکا تن خواهد داد؛ دقیقاً مشابه شرایطی که انگلیسی-ها در سال ۱۹۲۰م به بهانه آزادی مردم از ظلم عثمانی-ها عراق را اشغال کردند. شیعه در ایام سقوط حزب بعث سکوت اختیار کرد و پس از حاکمیت اشغال‌گران، مطالبات خود را از زبان مرجعیت دینی مطرح نمود؛ با این تفاوت که شیعه در عراق در اکثریت است و آمریکا نیز حزب بعث و ارتش بعثی را منحل کرد. از سوی دیگر، شیعه توان نظامی و سیاسی خود را حفظ کرده است و در میدان حضور دارد. بنابراین، شیعیان با محوریت مرجعیت، پس از اشغال عراق نقشی مهم ایفا کردند. مهمترین تأثیر شیعیان بر تحولات عراق پس از اشغال، عبارت-اند از:

۱. تحمیل اراده به اشغال-گران برای تشکیل حکومتی از احزاب و قومیت-های مختلف عراق؛
۲. نوشته شدن قانون اساسی عراق به دست عراقی-ها و به انتخابات گذاشتن آن؛
۳. برگزاری انتخابات در عراق و تأکید بر نقش فعال مردم در تعیین سرنوشت خود؛
۴. تأکید بر نقش شیعه در حکومت به اندازه جمعیت خود؛
۵. حفظ قدرت نظامی شیعه، سپاه بدر و لشکر مهدی؛
۶. تشکیل جبهه متحد شیعی، ائتلاف شیعی، بیت شیعی و همکاری با ایران؛
۷. تبعیت مردم و سپس احزاب سیاسی عراق از مرجعیت شیعی؛
۸. ترجیح منافع شیعی بر منافع اشغالگران در عراق (اکبری، ۱۳۸۸، ص ۴۷).
۹. امتیازات و امکانات شیعیان در ساختار جدید عراق

شیعیان از امتیازات و امکاناتی برای تحقق اهداف و استراتژی‌های خویش برخوردارند که مهم-ترین آن-ها عبارت-اند از:

۱. سازمان-دهی و انسجام بر محور روحانیت؛ برخی گروه‌های شیعه به صورت علنی یا غیرعلنی مسلح نیز هستند؛
۲. فقدان رقیب جدی در صحنه عراق؛ در عراق فقط کردها به اندازه شیعیان منسجم-اند که البته در بسیاری موارد با آنان اشتراک هدف هم دارند. البته حوزه منافع این دو گروه هم تا حدود زیادی مجزا و متفاوت از یکدیگر است.

جامعه اهل سنت هم، نه از حیث جمعیت و نه از حیث منابع زیرزمینی و نظایر آن، با جامعه شیعیان قابل قیاس نیست (قاسمی، ۱۳۸۹، ص ۴۳)

۳. نقاط ضعف شیعیان در عراق جدید

جامعه شیعه عراق در کنار تمام امکانات و شرایطی که از آن برخوردار است، نقاط ضعف زیادی نیز دارد که در ادامه به چند مورد اشاره می‌شود:

الف) هرچند ملت عراق به‌طور کلی طی سه دهه اخیر شداید و لطمات فراوانی دیده، اما به دلیل سیاست‌های رژیم بعث، جنگ با ایران، و وقوع انتفاضه ۱۹۹۱م، بر شیعیان محرومیت و ستمی دوچندان تحمیل شده است. میزان باسوادی و شمار تحصیل‌کردگان شیعه در مراکز آموزشی عالی و شاغلان در مشاغل مدیریتی، تخصصی و حساس، بسیار کمتر از دیگران بوده است. همین امر می‌تواند موقعیت آنان را در آینده، باوجود برخورداری از اکثریت عددی، آسیب‌پذیر سازد؛

ب) حوزه علمیة نجف و مراکز دینی و علمی شیعیان، ظرف دهه‌های گذشته به‌شدت آسیب دیده‌اند؛ منابع ملی آنان محدود و ضعیف است؛ مدرسان و برخی شخصیت‌های برجسته حوزوی به‌شهادت رسیده یا از کشور خارج شده‌اند. ارتباطات اجتماعی مراجع تقلید به دنبال سال‌ها انزوای اجباری، تا حدودی گسسته و آنان را از عمق تحولات جامعه شیعی دور ساخته است؛

ج) معارضان شیعه، طی دوران مبارزه با رژیم بعث بیشتر به فعالیت‌های سیاسی و نظامی در قالب تشکیلات بسته روی آورده‌اند. این امر، ضمن افزایش آسیب‌پذیری داخلی این گروه‌ها، باعث غفلت از توجه به مسائل فرهنگی، اجتماعی و آموزشی شده است. این در حالی است که عراق جدید اقتضای فعالیت به سبک گذشته را ندارد و این گروه‌ها مستعد انطباق سریع با تحولات جدیدند (ازغندی، کرمی، ۱۳۸۸، ص ۱۳-۱۲)؛

د) اختلافات درون‌گروهی بین گروه‌های شیعه وارد مرحله تازه‌ای شده است. جامعه شیعه بنا به دلایل زیر به‌شدت مستعد پراکندگی و درگیری است:

۱- بافت عشیره‌ای و طایفه‌ای جامعه شیعی و غلبه فرهنگ سیاسی سنتی بر آن؛

۲- نبود رهبری سیاسی‌مذهبی واحد و فراگیر؛

۳- وجود گرایش‌های فکری و ایدئولوژیک متفاوت و بعضاً متعارض، و نبود اجماع و اشتراک نظر در خصوص مسائل مهم، مانند چگونگی پیوند دین و سیاست، و ارتباط حکومت با ولایت، مرجعیت و روحانیت. حتی گروه‌های دارای پشتوانه ایدئولوژیک مانند مجلس اعلا نیز در این زمینه نظریه‌ای منسجم ارائه نکرده‌اند. در سطح کلی، وجود دو گرایش متفاوت مذهبی (فقاهتی) و سکولار، جامعه شیعه را دچار انشقاق کرده است؛

۴- وابستگی برخی شخصیت‌ها و گروه‌های شیعه به کشورهای مختلفی که منافع متعارضی را در عراق می‌جویند و برای دستیابی به آن‌ها از این تشکل‌ها و عناصر بهره‌برداري ابزاری می‌کنند. همین امر بر تنش‌های داخلی شیعیان می‌افزاید؛

- ۵- اختلاف نظر جدی درباره آینده ساختار سیاسی عراق و نحوه نقش-آفرینی شیعیان در عراق آینده. تاکنون هیچ‌یک از این گروه‌ها دیدگاه، الگو و مدل-های بدیل و مطلوب را ارائه نکرده است؛
- ۶- ابهام و تعارض قابل توجه درباره نوع تعامل با آمریکا و حضور نظامی آن در عراق؛ به-ویژه در صورت تداوم حضور آمریکا و تقارن آن با مسئله تعیین نوع نظام سیاسی آینده عراق؛
- ۷- سابقه تاریخی تنش-ها و تعارضات، و وجود انگیزه-های انتقام-جویانه و کینه‌توزی‌های عشیره-ای و طایفه-ای میان گروه-های شیعه، که بارزترین نمود آن، در ترور زود هنگام سیدمجدید خوبی در نجف اشرف توسط دیگر گروه-های شیعه جلوه-گر است؛
- ۸- وجود مشرب-های فکری و مکاتب فقهی متفاوت که بر محور تفکرات مراجع پیشین، مانند آیت-الله خویی، آیت-الله صدر و آیت‌الله حکیم شکل گرفته است و توسط شاگردان، فرزندان و بیوت آنان به انگاره-های تردیدناپذیر و واجب-الاطاعه برای دیگران تبدیل شده و ایجاد وفاق و اجماع نظر در میان شیعیان و حوزه علمیه را دشوار ساخته است؛
- ۹- ضعف نظام ارتباطی و فقدان شبکه رسانه-ای جامع و فراگیر (مانند رسانه-های کرد در شمال عراق) که بتواند در وضعیت گذار کنونی یا شرایط احتمالی عدم راهیابی شیعیان به قدرت، کارکردهای ارتباطی مورد انتظار را عهده-دار شود؛
- ۱۰- حساسیت اکثریت قاطع کشورهای عربی به قدرت-یابی شیعیان، و حمایت از رقبای اهل سنت آنان؛
- ۱۱- مخالفت آمریکا با پیوند شیعیان با مهم-ترین متحد منطقه-ای آنان، یعنی ایران، و مشروط کردن نقش-آفرینی آن‌ها در عراق آینده به همراهی و همکاری نکردن با ایران؛
- ۱۲- نفوذ برخی جریان-های انحرافی در میان روحانیون و عناصر بانفوذ شیعه که باعث فرقه-گرایی، گسست میان روحانیت و نهاد مرجعیت، و همراه-سازی شیعیان با سناریوی نیروهای مهاجم در خصوص انفکاک از ایران می-شود (حق پناه، ۱۳۸۲، ص ۱۰)
- ۹- موضع آمریکا در برابر قدرت-یابی شیعیان
- بی-اعتمادی آمریکا به شیعه باعث شد که از ابتدا مانع ورود شیعیان معارض عراقی به حکومت شود؛ به ویژه در خصوص ورود سپاه بدر به عراق موضع-گیری کرد. البته این سیاست شکست خورد و امروزه هم معارضان شیعه و هم مسئولان سپاه بدر، در مسئولیت-های کلیدی نقش-آفرینی می-کنند. آمریکا در مرحله بعد تلاش کرد عناصر لائیک و سکولارهای شیعه را در رأس قدرت قرار دهد و شعار ائتلاف با شیعه را در منطقه به طور گسترده تبلیغ کردند. این سیاست نیز شکست خورد و مردم با اعتماد به مرجعیت، سکولارها را حذف کردند. در مرحله بعد، آمریکا ناگزیر شد تحت فشار مرجعیت، حکومت را از طریق انتخابات بپذیرد؛ اما اقدامات همه-جانبه-ای را برضد شیعه آغاز کرد. مهم-ترین این اقدامات عبارت‌اند از:
۱. ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی؛

۲. جلوگیری از کارآمدی حکومت مردمی که شیعه در رأس آن قرار دارد. آمریکا عملاً وزارت-خانه-های دفاع و سیستم امنیت عراق را در دست گرفت و اجازه نداد دولت شیعی از آنها استفاده کند؛
۳. تلاش برای بازگرداندن بعثی-ها به حکومت، به مثابه ابزاری در برابر شیعه؛
۴. تلاش برای ایجاد درگیری و اختلاف بین شیعه، به-ویژه میان نیروهای بدر و ارتش مهدی؛
۵. تلاش برای تخریب چهره ایران در عراق؛
۶. تبلیغات گسترده برضد شیعه و تلاش برای تشکیل جبهه ضدشیعه، به-ویژه در خاورمیانه، از طریق حکومت-های دست-نشانده (اکبری، ۱۳۸۸، ص ۴۹)

۱۰- ائتلاف-های شیعی در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۰ در عراق

در ۷ مارس ۲۰۱۰م، دومین دوره مجلس نمایندگان عراق پس از سقوط حکومت صدام، برای تعیین ۳۲۵ نماینده برگزار شد. این مجلس، نهاد قانون-گذاری در عراق و تعیین-کننده نخست-وزیر و رئیس-جمهور این کشور است. در این انتخابات، ائتلاف «العراقیه» به رهبری ایاد علاوی - که بیشتر از اعراب سکولار شیعه و سنی تشکیل می-شد - با ۹۱ کرسی در جایگاه نخست، ائتلاف «دولت قانون» به رهبری نوری المالکی، نخست وزیر عراق، با ۸۹ کرسی در جایگاه دوم قرار گرفتند. ائتلاف «ملی عراق» - که از سازمان-های مهم شیعیان اسلام-گرای عراق همچون «مجلس اعلامی اسلامی» و «جریان صدر» تشکیل می-شد - با هفتاد کرسی در جایگاه سوم نشست و بقیه احزاب، به نسبت کرسی-هایی که به-دست آوردند، در جایگاه-های دیگر قرار گرفتند. «جبهه توافق» که ائتلاف اصلی اعراب سنی عراق است، شش کرسی از کرسی‌های مجلس را به خود اختصاص داد.

در انتخابات سال ۲۰۱۰م، ۶۱۷۲ نامزد از ۱۶۵ جریان سیاسی، در قالب دوازده ائتلاف بزرگ انتخاباتی برای کسب ۳۲۵ کرسی پارلمانی به رقابت پرداختند و انتخابات در قالب سیستم لیست باز و نظام چنددایره-ای برگزار شد. در این انتخابات، بیش از ۶۲/۴ درصد از مردم عراق شرکت کردند که بالاترین مشارکت با نرخ هشتاد درصد، به استان دهوک مربوط بود. از ویژگی-های انتخابات پارلمانی عراق در سال ۲۰۱۰م، برهم خوردن ائتلاف-های سیاسی دوره قبل، و شکل-گیری ائتلاف-های جدید بود. بیشتر این ائتلاف-ها از گروه-های مختلف قومی و مذهبی تشکیل شده-اند و در بیشتر آنها شیعیان، اهل تسنن و دیگر اقلیت-های دینی و قومی هم-زمان حضور دارند. این مسئله باعث تقسیم آرا بین ائتلاف-های مختلف شد. از مهم-ترین ائتلاف‌های شیعیان در این دوره از انتخابات، عبارت-اند از:

-جنبش ملی عراق یا «فهرست العراقیه» به رهبری ایاد علاوی

جنبش ملی عراق که به «فهرست العراقیه» معروف است و تحت رهبری ایاد علاوی، شخصیت شیعه سکولار قرار دارد، توانست در انتخابات پارلمانی با کسب ۲,۶۳۱,۱۳۸ رأی، معادل ۲۵/۸۷ درصد، بیشترین میزان کرسی-ها، یعنی ۹۱ کرسی از مجموع ۳۲۵ کرسی را به خود اختصاص دهد. احزاب اصلی این ائتلاف، عبارت-اند از: «توافق ملی عراق» به رهبری ایاد علاوی، با گرایش شیعی سکولار؛ و «جبهه گفت‌وگوی ملی عراق» به رهبری صالح مطلق، با

گرایش سنی سکولار که عمدتاً جمعیت سنی-مذهب و بخشی از شیعیان سکولار عراق را نمایندگی می‌کند. «جنبش ملی عراق» در واقع ترکیبی از شخصیت‌های سیاسی مطرح عراق (شیعیان، سکولارها، سنی‌ها و بعثی‌های جدید) است که در پی ایجاد ائتلافی قدرتمند در مقابل ائتلاف‌های شیعی اسلام-گرا بوده‌اند. همچنین بخشی از ائتلاف‌های سنی قبلی نیز به این فهرست پیوسته‌اند.

-ائتلاف دولت قانون به رهبری نوری مالکی

«ائتلاف دولت قانون» به رهبری نوری مالکی، نخست‌وزیر عراق، توانست در انتخابات پارلمانی، با ۶۲۰، ۰۴۲، ۲ رأی، ۸۹ کرسی از مجموع ۳۲۵ کرسی، یا به عبارت دیگر ۲۵/۷۶ درصد از کرسی‌ها را به خود اختصاص دهد و بعد از «فهرست عراقیه» بیشترین میزان کرسی‌ها را به‌دست آورد. احزاب و شخصیت‌های اصلی این ائتلاف، به این شرح می‌باشند:

«حزب الدعوه» به رهبری نوری مالکی، با گرایش شیعه میانه‌رو؛

«جبهه ملی نجات انبار» به رهبری شیخ علی حاتم السلیمان، با گرایش سنی، قبیله‌ای، انبار؛

«التجمع» به رهبری مهدی الحافظ و صفیه سهیل، با گرایش شیعه سکولار، عضو سابق «فهرست عراقیه»؛

ائتلاف دولت قانون در وهله اول حول شخصیت و مدیریت نوری مالکی طراحی شده است و برای نخستین بار، طی انتخابات شوراهای استانی در سال ۲۰۰۹م شکل گرفت و با کسب ۱۲۶ کرسی از مجموع ۴۴۰ کرسی شوراهای استانی، موفقیت قابل توجهی به‌دست آورد.

حزب-الدعوه در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۵م، عضو «ائتلاف یک-پارچه عراق» بود؛ اما نوری مالکی به دلیل موفقیت‌هایش در مسند نخست‌وزیری در چند سال گذشته و کارایی دولت و در ایجاد ثبات و امنیت در عراق، تلاش کرد تا ائتلافی مستقل، ملی-گرا و فرافرقه‌ای ایجاد کند. وی در این راستا کوشید تا گروه‌های سنی و کرد را نیز در ائتلاف خود وارد کند. هر چند تلاش‌هایی برای پیوستن «ائتلاف دولت قانون» به «ائتلاف ملی عراق» به مثابه چتری برای پوشش دادن گروه‌های شیعی انجام شد، اما با پذیرفتن شروط مالکی از سوی ائتلاف ملی عراق، از جمله اختصاص پنجاه درصد کرسی‌های ائتلاف و پست نخست‌وزیری به مالکی، فهرست دولت قانون به صورت مستقل وارد انتخابات پارلمانی ۲۰۱۰م شد.

۱۰- ائتلاف ملی عراق به رهبری عمار حکیم

ائتلاف ملی عراق، که در واقع جانشین «ائتلاف عراق یک-پارچه» به‌عنوان ائتلاف فراگیر شیعی در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۵م، منهای حزب الدعوه است، توانست در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰م هفتاد کرسی از مجموع ۳۲۵ کرسی، معادل ۱۹/۴۳ درصد از کرسی‌ها را به دست آورد و به سومین ائتلاف قدرتمند تبدیل شود. احزاب و شخصیت‌های این ائتلاف عبارت‌اند از:

۱. مجلس اعلای اسلامی عراق به رهبری عمارحکیم، با گرایش شیعه

۲. سازمان بدر» به رهبری‌های عامری، با گرایش شیعه

۳. جریان صدر به رهبری مقتدا صدر، با گرایش شیعه - ملی - گرا
 ۴. حزب فضیلت اسلامی به رهبری هاشم الهاشمی، با گرایش شیعه
 ۵. کنگره ملی عراق به رهبری احمد چلبی، با گرایش شیعه سکولار
 ۶. جنبش اصلاح ملی» به رهبری ابراهیم جعفری، با گرایش شیعی
- «ائتلاف ملی عراق» که عمدتاً دربرگیرنده گروه‌های شیعی اسلام-گراست، موفقیت چندانی در کسب همکاری گروه‌های سنی و کرد برای نمایش وجهه-ای فرافرقه-ای به دست نیاورد؛ با این حال توانست میزان قابل توجهی از آرای شیعیان جنوب عراق را به خود اختصاص دهد (میرکریمی، ۱۳۸۶، ص ۱-۱۲).

نتیجه گیری و دستاورد علمی پژوهشی

وجود منابع نفت و گاز در جنوب، و ارتباط با دریا و تسلط شیعیان بر این منطقه، فرصت و ابزاری در اختیار شیعیان است. به همین نسبت، این فرصت برای دیگر اقوام، چالش به-حساب می-آید. بنابراین، این منطقه به مثابه ابزاری سیاسی در اختیار شیعیان عراق است. مرحله کنونی، مرحله-ای حساس برای شیعیان عراق به شمار می-آید؛ زیرا این امکان برای این گروه فراهم شده است که پس از صدها سال در حاشیه بودن، خود را به عنوان قدرتی مسلط در عرصه سیاسی عراق مطرح کند. پس از سقوط رژیم صدام، خواسته-های انقلابی جدید جامعه شیعه عراق قالب تازه-ای پیدا کرده و موجی از تحرک سیاسی در بین آنها به-وجود آمده که برای سیاست-گذاران آمریکایی و حتی سنی-های عراق غافل‌گیر-کننده بوده است. در واقع شیعیان دریافته-اند که در حال حاضر، اشغال-گران آمریکایی تنها عاملی-اند که شیعیان را از رسیدن به قدرت سیاسی بازداشته-اند. همین مسئله اصلی-ترین عامل بحرانی شدن رابطه بین جامعه شیعه عراق و موضوع حضور آمریکایی-ها در این کشور شده است. اگرچه شاهد قدرت گرفتن گروه-های مختلف شیعی در قالب احزاب سیاسی هستیم، ولی این گروه-ها درباره راه-های پیشبرد اهداف در آینده عراق با هم اختلاف دارند؛ همانند اختلافی که بین فهرست العراقیه و دیگر ائتلاف-های شیعی وجود دارد. این مسئله تا حدودی آینده تحولات عراق را با ابهام مواجه کرده است. گروه-های شیعی با داشتن موضع برتر در عراق جدید به دنبال دستیابی به سهم بیشتری از قدرت سیاسی بر مبنای نسبت بالای جمعیت خود و ایجاد امنیت و ثبات در این کشور به-عنوان گروه مسلط در حاکمیت-اند. گروه-های سنی نیز در راستای جلوگیری از تسلط شیعیان، و مانع-تراشی در نهادینه-سازی قدرت آنان در ساختار سیاسی جدید عراق با ابزارهای گوناگون، و مخالفت با اقداماتی مانند بعثی-زدایی و فدرالیسم، به-ویژه در جنوب و شمال این کشور، درصدد بازنگری قانون اساسی و احیای مجدد نقش سنتی خود در عراق-اند. بنابراین، تعارضات و اختلافات موجود در اهداف و منافع گروه-های داخلی، فقدان زمینه-های مصالحه و همگرایی بین گروه-های اهل سنت و شیعی، فقدان سنت مدنی دموکراسی و سهم ملی در عرصه قدرت مدیریت، روند سیاسی و شرایط امنیتی عراق را با مشکل مواجه کرده است. عراق پس از ایران دومین کشوری است که اکثریت جمعیت آن را شیعیان تشکیل می-دهند. این می تواند در آینده روابط دو کشور نقش

بسیاری داشته باشد؛ همان‌گونه که در طول تاریخ روابط دو کشور، شاهد روابط در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بوده‌ایم.

جمهوری اسلامی بیش از همه همسایگان عراق از اقدامات و تهاجمات داعش زیان دیده و از اینرو، در پی بازگرداندن شرایط به حال عادی و باثبات است. در عین حال، اگر سرنگونی داعش به دست آمریکا، یعنی کشوری صورت بگیرد که بیشترین خصومت بین آن و ایران در سه دهه گذشته بروز کرده، حضور آمریکا در عراق، به احساسی دوگانه و متعارض در ایران می‌انجامد. این تعارض در وضع کنونی هم به صورت حمایت از حکومت اکثریت شیعه و در عین حال، مخالفت فعالانه با آمریکا و حضور آن کشور در عراق ادامه دارد.

یکی از ویژگی‌های مرزی کشورها که تأثیر مستقیمی بر امنیت مرزی دارد، داشتن تنوع قومی، اجتماعی و فرهنگی در نواحی مرزی است. مخالفان نظام اسلامی در میان اهل سنت مرزنشین به دو دسته تقسیم شوند؛ یکی جریان ضد شیعه؛ که در استانهای سیستان و بلوچستان و کردستان به دلیل تبلیغات گسترده بر علیه ج.ا.ا و جریانهای قدرتمند مالی و سیاسی فرامرزی، با بزرگنمایی مصادیق ادعایی از عملکرد شیعیان بهانه‌ایی برای بروز جریانهای تندرو ضد شیعه را در بین اهل سنت تقویت نموده است. دوم جریان وهابیت؛ که اگرچه به صورت ریشه‌ای در بین اهل سنت ایران وجود ندارد ولی تبلیغات و سرمایه‌گذاری‌های گسترده در سالهای اخیر به ویژه در عرصه ایجاد مدارس دینی و مساجد و کمکهای مالی گسترده از سوی سعودی‌ها موجب جذب جوانان و برخی روحانیون در مناطق سنی نشین ایران به این گروه گردیده است. لذا افزایش شکاف سیاسی - فرهنگی با همسایگان و تضعیف اتحاد و انسجام ملی از مهمترین تهدیدات ناشی از فرقه‌گرایی و تشدید اختلافات شیعه و سنی می‌باشد (پورسعید، ۱۳۸۵: ۳۱).

پس از وقوع انقلاب اسلامی نقطه کانونی هویت نیز تغییر یافت. هویت به معنای شخصیت نظام سیاسی جمهوری اسلامی تحت تأثیر عناصری چون ایرانیت، اسلامیت، غیرمتعهد بودن و انقلابی گری قوام یافته که البته این عناصر وزن یکسانی ندارند. عنصر اصلی قوام دهنده هویت در نظام جمهوری اسلامی ایران اسلام‌گرایی است و اهمیت آن را می‌توان از تأکید قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ به عنوان اسناد پایه‌ای کشور درک کرد. مقدمه قانون اساسی اشاره بر این دارد که آنچه انقلاب اسلامی را از سایر نهضت‌های دیگر ایران در سالیان گذشته متمایز می‌کند مکتبی بودن و اسلامی بودن آن است. همچنین بر اساس اصول اول و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حکومتی است که بر اساس اعتقاد دیرینه به حکومت عدل و قرآن شکل گرفته و بر پایه ایمان به خدای یکتا، وحی الهی و معاد قرار دارد (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مقدمه و اصول اول و دوم). همچنین در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ ایران با هویتی اسلامی و انقلابی تعریف شده است (سند چشم‌انداز ۱۴۰۴). بنابراین اسلام شیعی مهمترین عنصر قوام بخش هویت جمهوری اسلامی است که مشروعیت نظام سیاسی از آن حاصل میشود. چرا که دولت، دولت اسلامی است (خمینی، ۱۳۷۸: ۱۲۹). مهمترین کارویژه نظام سیاسی حفظ اسلام و تعهد به آرمان و ارزشهای اسلامی است و منافع و اهداف ملی بر حسب آن تعریف میشود. شیعه به عنوان قرائتی انقلابی از اسلام در کانون اسلام‌گرایی جمهوری اسلامی ایران قرار دارد و آنچه مسلمانان ایران را از سایر مسمانان دنیا متمایز

می‌کند تاکید بر هویت شیعی و تفاوت نظام سیاسی شیعه) مبتنی بر نظریه امامت و ولایت (و نظام سیاسی اهل تسنن) خالف است. بر این اساس جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک دولت اسلامی شیعه رسالت و وظایفی برای خود قائل است که آن را از محدوده سرزمینی فراتر می‌برد که این امر ناشی از تاکید هویت اسلامی-شیعی بر امتگرایی به جای ملتگرایی است. اصولی مانند قاعد نفی سبیل، سلطه ناپذیری، کسب و تدارک قدرت، برادری اسلامی، تالیف قلوب و جلب دوستی غیر مسلمین، دعوت به اسلام، وحدت جهان اسلام، جهاد تدافعی برای رفع موانع استقرار اسلام، استکبار ستیزی، حمایت از مستضعفان جهان و تشکیل جامعه آرمانی و حکومت عدل واحد جهانی بنیان اعتقادی-شیعی نظام جمهوری اسلامی ایران را شکل می‌دهد (نخعی، ۱۳۷۶؛ ۲۵۶-۱۸۷). البته در نظر امام خمینی ایران هویتی اسلامی-ایرانی دارد و از جمله در پیامی به مجلس شورای اسلامی ویژگی مجلس را اسلامی-ملی بودن آن میداند. در نظر ایشان مجلس "از آن جهت اسلامی است که تمام تلاش باید در راه تصویب قوانین غیر مخالف با احکام مقدس اسلام باشد و ملی است چون که از متن ملت جوشیده است" (خمینی، ۱۳۷۸؛ ۳۴۹). اما نکته مهم در این است که بر خلاف گفتمان ملیگرایی اسلامی که هدفش خدمت به ایران از طریق اسلام است، هدف امام خمینی خدمت به اسلام از طریق ایران بود و به همین جهت عنصر اصلی هویت جمهوری اسلامی، اسلامگرایی شیعی است (بازرگان، ۱۳۶۳؛ ۱۱۱). کارکرد هویت شیعی در سیاست خارجی ایران در قالب حمایت از مستضعفین، ظلم ستیزی، عدالت محوری، شهادت طلبی، حق طلبی، استکبارستیزی و مقاومت در برابر فشارهای ناعادلانه نظام بینالملل متبلور شده که این امر از چند طریق صورت گرفته است: نخست تعیین نقش ملی برای نظام جمهوری اسلامی ایران که به مسؤولیت و تکالیف فراملی همچون مدافع اسلام و تشیع و حامی مستضعفین بر میگردد. دوم شکل دهی به منافع و اهداف ملی که موجب رجحان منافع هویت اسلامی در سیاست خارجی می‌شود. سوم قالب خاصی را برای معنا و تفسیر واقعیات محیط خارجی فراهم می‌سازد. چهارم باعث تعیین مراحل اصلی تحول و تکامل سیاسی-اجتماعی با ارائه تصویری از وضعیت فعلی و افقی برای آینده کشور می‌شود و در نهایت نظام ارزشی خاصی را برای قضاوت درباره سیاست ایران و سایر کشورها فراهم می‌کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸؛ ۹۲-۹۰). عنصر دوم هویتی مهم جمهوری اسلامی ایران به وجود آمدن نوعی بیگانه ستیزی و تاکید همیشگی بر استقلال طلبی غربستیزانه به خاطر سابقه دخالت قدرتهای بزرگ در امور داخلی ایران است. اگر در دوران پهلوی شوروی و انگلستان عامل چنین نگاهی بودند پس از انقلاب اسلامی آمریکا نیز به خاطر سقوط دولت محمد مصدق و تحکیم استبداد شاه به این موارد اضافه شد و بیگانه ستیزی در چهره آمریکاستیزی در نگاه رهبران انقلاب اسلامی بازتاب یافت. با چنین ماهیتی تاکید جمهوری اسلامی ایران بر سیاست "نه شرقی، نه غربی" به این معنا است که جهتگیری سیاست خارجی نمیتواند تنها مبتنی بر بی طرفی و انفعال باشد بلکه نظم ناعادلانه موجود در نظام بینالملل به خاطر مبارزه با نظام سلطه و آرمان عدالتخواهانه هویت اسلامی به صورت فعال به چالش کشیده میشود تا نظم مطلوب شیعه که هدفش رسیدن به جامعه آرمانی و تشکیل حکومت عدل جهانی است استقرار یابد. تقابل ایران با قدرتهای بزرگ به ویژه آمریکا را در از این منظر باید درک کرد. تالش برای نفوذ هویتی-فرهنگی در ژئوپلیتیک خاورمیانه را

می‌توان در عملکرد سیاست خارجی ایران در تحکیم روابط با احزاب شیعی مانند حزب الدعوه، مجلس اعلیٰ عراق و جریان صدر در عراق، حزب اهلل در لبنان و حمایت از جنبش شیعیان بحرین مشاهده کرد. ایران در این حوزه کوشیده است تا با بهره‌گیری از ظرفیتهای مذهبی اماکن مقدس در قالب بازسازی حرم‌های مطهر ائمه معصومین، تاکید بر گردهمایی‌های مذهبی همچون برگزاری مراسم اربعین در عراق و استفاده از رسانه‌های فرامرزی خود همچون العالم و پرستیوی نفوذ هویتی خود را در منطقه افزایش دهد.

منابع

- غلامی قمی، مصطفی، «نقش شیعیان و رهبران مذهبی در تحولات سیاسی و اجتماعی عراق در سده‌های اخیر»، فصلنامه شیعه‌شناسی، سال پنجم، شماره ۱۷، ۱۳۸۶.
- قاسمی، محمدعلی، «بازیگران مؤثر بر عراق آینده: منافع و سناریوها»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره ۱، ۱۳۸۹.
- گراهام، فولر، شیعیان عرب، مسلمانان فراموش‌شده، ترجمه خدیجه تبریزی، قم، شیعه‌شناسی، ۱۳۸۴.
- میرکریمی، انتخابات پارلمانی در عراق، تهران، اداره کل آموزش و پژوهش معاونت سیاسی، کد پژوهش ۲۳۷، ۱۳۸۶.
- ایزدی، پیروز (۱۳۹۳): «جهادیون افراطی و امنیت اروپا»، فصلنامه روابط خارجی، سال ششم، زمستان، شماره ۴، صفحات ۱۸۵-۱۵۷.
- ایزدی، جهانبخش (۱۳۹۰): «راهبردهای تحقق تعامل مؤثر و سازنده ایران در نظام بین‌الملل»، فصلنامه رهنامه سیاست‌گذاری، سال دوم، بهار ۱۳۹۰، شماره ۳، صفحات ۶۷-۴۳.
- بخشایش اردستانی، احمد (۱۳۹۶)، «سناریوهای تروریسم در عصر پساداعش»، گفتگو از عبدالرحمن فتح‌اللهی، روزنامه ایران، شماره ۶۵۱، سوم مرداد.
- کیان زاده، دانش (۱۳۸۴)، جنگ نامتقارن، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- کالینز، جان، ام (۱۳۸۵)، جغرافیای نظامی (جلد دوم/جغرافیای فرهنگی)، ترجمه محدرضا آهنی و بهرام محسنی، انتشارات دانشگاه امام حسین (ع)
- کمپ، جفری و رابرت هارکاو (۱۳۸۳)، جغرافیای استراتژیک خاورمیانه جلد اول پیشینه، مفاهیم و مسایل، ترجمه: سیدمهدی حسینی متین، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کوهن، سائول برنارد (۱۳۸۷)، ژئوپلیتیک نظام جهانی، ترجمه عباس کاردان، انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر تهران.
- گلی زواره، غلامرضا (۱۳۹۳)، سیاست حزب بعث: ستیز همه جانبه بر ضد ارزش‌های دینی، مرکز تحقیقات اسلامی، مکتب اسلام، سال ۴۵، شماره ۷.
- لاکست، ایو و ژیلین، باتریس (۱۳۷۸)، عوامل و اندیشه‌ها در ژئوپلیتیک، ترجمه علی فراستی تهران: نشر آامن.
- مار، فب، ۱۳۸۰، تاریخ نوین عراق، ترجمه محمد عباس پور، مشهد، آستان قدس رضوی، جلد اول.
- مجتهد زاده، پیروز (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، انتشارات سمت.
- محمدی بیدختی، مهدی (۱۳۸۵)، بررسی نقش شیعیان عراق در تحولات سیاسی-اجتماعی این کشور پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکز.
- مقدم، محسن (۱۳۹۲)، گروه‌های تروریستی از ظهور تا سقوط، تهران: نشر جانان.
- مکنزی، کنت (۱۳۸۲)، جنگ نامتقارن، ترجمه عبدالمجید حیدری و محمدتمنایی، تهران: انتشارات دوره عالی جنگ.
- مک دانل، دایان (۱۳۸۰)، مقدمه ای بر نظریه‌های گفتمان، ترجمه حسین نوذری، نشر فرهنگ گفتمان. تهران.
- مک لین، جان (۱۳۸۱)، مبانی دیپلماسی چگونگی مطالعه روابط میان دول، ترجمه: عبدالعلی قوام، انتشارات نشر قومس.
- موثقی، سید احمد (۱۳۹۱)، جنبش‌های اسلامی معاصر، انتشارات سمت، تهران.

- مولایی، حمید(۱۳۸۲)، شکست یا پیروزی، مجموعه مقالات تهاجم آمریکا به عراق، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- مویر، ریچارد (۱۳۷۹)، درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میر حیدر و صفوی، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- مینائی، مهدی(۱۳۸۶)، مقدمه ای بر جغرافیای سیاسی ایران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.
- نامی، محمد حسن؛ محمدپور، علی(۱۳۹۰)، جغرافیای کشور عراق با تأکید بر مسائل ژئوپلیتیک، تهران، نشر سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح. چاپ دهم.
- نامی، محمدحسن و دیگران (۱۳۸۸)، نقش عوامل جغرافیای در انتخاب نهادها و پایتخت‌های حکومتی ایران، انتشارات سازمان جغرافیای نیروهای مسلح.
- نامی، محمدحسن و علیرضا عباسی(۱۳۸۸)، تحلیل جایگاه ژئوآکونومیک ایران در خاورمیانه، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال پنجم، شماره دوم.
- نای، جوزف(۱۳۸۷)، قدرت نرم، ترجمه اصغر افتخاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- نجفی فیروزجایی، عباس، ۱۳۸۲. جریان-شناسی شیعیان عراق؛ جناح صدر، پژوهشنامه جنبش-های اسلامی خاورمیانه، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- هادیان، حمید(۱۳۸۳)، سیاست جدید امنیت منطقه‌ای عراق. ماهنامه همشهری دیپلماتیک. سال دوازدهم. شماره ۱۶.
- هال، استوارت(۱۳۸۲)، غرب و بقیه: گفتمان و قدرت، ترجمه حسین راعفر، تهران: انتشار نقش و نگار.
- ویلی، جویس (۱۳۸۳)، نهضت اسلامی شیعیان عراق، ترجمه مهوش غلامی، تهران: اطلاعات.
- یوسفی، مهدی(۱۳۹۴)، مجموعه گزارش کشوری عراق، تهران: مؤسسه مطالعات بین-المللی انرژی.
- المن، کالین(۱۳۹۳)، «واقع گرایی». ببینید در: نظریه روابط بین‌الملل برای سده بیست و یکم، ویراسته مارتین گریفیتس، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
- برزگر، کیهان(۱۳۸۷)، «ایران، عراق جدید و نظام سیاسی- امنیتی خلیج فارس». تهران، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی؛ دفتر گسترش تولید علم.
- چرنوف، فرد(۱۳۸۸)، نظریه و زبرنظریه در روابط بین‌الملل. ترجمه علیرضا طیب. تهران: نشر نی.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال(۱۳۸۸)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: سمت.
- مشیرزاده، حمیرا(۱۳۸۵)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل. تهران: سمت.
- میرشایمر، جان(۱۳۹۳)، تراژدی قدرت‌های بزرگ. ترجمه غلامعلی چگینی‌زاده. تهران: نشر وزارت امورخارجه.
- بزرگر، کیهان(۱۳۸۸)، «منطقه‌گرایی در سیاست‌خارجی ایران». مجله مطالعات اوراسیای مرکزی، سال ۲، شماره ۵.
- پوراحمدی، حسین و منصوریان، اصغر(۱۳۹۳)، «تغییرات سیاست خارجی آمریکا و تحولات خاورمیانه». فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۷، شماره ۴.
- جمشیدی، محمد(۱۳۹۴)، «تجدید توازن: استراتژی کلان ایالات متحده در دوره اوباما». پژوهشنامه علوم سیاسی، سال یازدهم، شماره ۳.
- درخشه، جلال و دیوسالار، مجید(۱۳۹۰)، «عوامل همگرا و واگرا در روابط ایران و ترکیه پس از به قدرت رسیدن حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه در ترکیه». فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر رضا، دوره ۳، شماره ۷.
- سریع‌القلم، محمود(۱۳۹۵)، «نظام بین‌الملل و ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه». پژوهشنامه علوم سیاسی. سال دوازدهم، شماره اول.
- طارمی، کامران(۱۳۹۵)، «ارزیابی نتایج استراتژی نظامی منطقه‌ای آمریکای اوباما». فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال هفدهم، شماره ۷.
- کامل، روح‌اله(۱۳۸۳)، «مقدمه‌ای بر رئالیسم تهاجمی». ماهنامه نگاه، سال ۴، شماره ۳۸.
- کریمی فرد، حسین(۱۳۹۴)، «بررسی و نقد سیاست خارجی اوباما». فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، دوره ۷، شماره ۲۵.

- محمدزاده ابراهیمی، فرزاد؛ ملکی، محمدرضا و امام جمعه‌زاده، سیدجواد(۱۳۹۵)، «راهبرد خاورمیانه‌ای اوباما؛ از واگذاری مسؤلیت تا همراهی محدود». فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، دوره ۸، شماره ۲۸.
- مطلبی، مسعود و فلاح‌نژاد، علی(۱۳۹۲)، «هویت‌های سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا و دولت باراک اوباما». فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، دوره ۵، شماره ۱۷.
- میرفخرایی، سیدحسن(۱۳۸۶)، «بحران استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا در اروپای شرقی: اهداف و پیامدها». مجله حقوق و سیاست، سال ۹، شماره ۲۲.
- قناتی، فریبا(۱۳۹۳)، «دلایل همگرایی سیاست خارجی ترکیه و عربستان در قبال عراق جدید (۲۰۰۳-۲۰۱۳)». همایش علمی مقاله خلیج فارس، دانشگاه تربیت حیدریه. ایران. تربت حیدریه.
- میرشایمر، جان(۱۳۹۶)، «سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه؟». سخنرانی در موسسه مطالعات آمریکا و اروپا (یوریکا)، ایران، تهران.
- میرشایمر، جان(۱۳۹۶)، «چشم انداز سیاست قدرتهای بزرگ در قرن ۲۱». سخنرانی در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. ایران، تهران.
- کبریایی زاده، حسین(۱۳۹۴)، «جنگ سرد در خاورمیانه». قابل دسترس در سایت ابرار معاصر تهران.
- مطهرنیا، مهدی(۱۳۹۴)، «آینده روابط ایران و عربستان و نقش متغیرهای دخیل». قابل دسترس در سایت ابرار معاصر تهران.
- احتشامی، انوشیروان(۱۳۸۱)، «بنیادگرایی اسلامی و اسلام سیاسی»، ترجمه: محسن اسلامی، فصلنامه علوم سیاسی سال پنجم شماره ۱۸.
- اسدی، علی اکبر(۱۳۸۷)، «تحولات و مسائل جدید عراق و رویکرد ایران»، تهران انتشارات شادان.
- اسدی، علی اکبر(۱۳۹۳)، «خیزش داعش و بحران امنیتی در عراق و رویکرد ایران»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- اسلامی، محمد اسماعیل(۱۳۸۵)، «فرهنگ علوم سیاسی»، جلد ۲ مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- ایکنبری، جان(۱۳۸۲)، «تنها ابر قدرت هژمونی آمریکا در قرن ۲۱» ترجمه عظیم فضلی پور، تهران مؤسسه ابرار معاصر.
- بنی‌هاشم، میرفاسم(۱۳۸۱)، «فرایند ملت‌سازی در خاورمیانه» کتاب خاورمیانه(۱)، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- تقفی، عامری ناصر(۱۳۸۵)، «عراق جدید تغییرات ژئوپلیتیک»، فصلنامه راهبردی شماره ۳۹.
- جرجیس، فواز(۱۳۸۲)، «امریکا و اسلام سیاسی رویارویی فرهنگ‌ها یا تضاد منافع»، ترجمه سید کمال سروریان، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جوکار، محمد صادق(۱۳۸۷)، «جدال قدرت و دلایل نا ارامی‌های داخلی عراق» نیمه اردیبهشت همشهری دیپلماتیک، سال سوم.
- زارعی، بهادر(۱۳۹۲)، «بنیادهای نظری جغرافیای سیاسی با تاکید بر اسلام و ایران»، انتشارات دانشگاه تهران.
- غلامی، طهمورث(۱۳۹۰)، «رابطه پیچیده هویت دولت و امنیت در عراق»، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.
- فاست، لویس(۱۳۸۶)، «روابط بین‌المللی خاورمیانه»، ترجمه احمد سلطانی نژاد، تهران دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- قوام، عبدالعلی و زرگر، افشین(۱۳۸۷)، «دولت‌سازی ملت‌سازی و نظریه‌های رولپت بین‌الملل» آثار نفیس
- مجموعه مقالات(۱۳۸۴)، «ایران و خاورمیانه»، انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- میرحیدر، دره(۱۳۸۳)، «اصول و مبانی جغرافیای سیاسی»، تهران، نشر سمت.
- نوروزی، نورمحمد و دیگران(۱۳۸۲)، «چالش مشروعیت و بازسازی نظم سیاسی در خاورمیانه»، ترجمه اسدالله سلیمانی، معاونت پژوهشی: تهران دانشکده امام باقر.
- واعظی، محمود(۱۳۸۸)، «ثبات‌سازی و امنیت در خلیج فارس و نقش متقابل عراق جدید و کشورهای منطقه»، معاونت پژوهشی سیاست خارجی (گروه مطالعات خاورمیانه و خلیج فارس).
- علی اکبر اسدی، استراتژی مهار ایران؛ ابعاد و چالش‌های منطقه‌ای، فصلنامه راهبرد، شماره ۴۷، تابستان ۱۳۸۷، صص ۲۰۷-۱۹۱.

کیهان بزرگر، تضاد نقش‌ها: بررسی ریشه‌های منازعه ایران و آمریکا بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر، فصلنامه راهبرد، شماره ۳۹، بهار ۱۳۸۵، صص ۱۷۰-۱۴۵.

فریدون برکشلی، تحریم‌های بین‌المللی آمریکا و کشورهای جهان سوم، فصلنامه راهبرد، شماره ۱۲، بهار ۱۳۷۶
حاجی یوسفی، تهدیدات امنیتی منطقه‌ای ایران پس از جنگ سرد: پیامدها و پاسخ‌ها، فصلنامه سیاست خارجی، سال هیجدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۳، صص ۶۱۱-۶۴۹.

امیرحسین حسینی، راهبرد کنونی آمریکا در زمینه با سلاح‌های کشتار جمعی و برنامه هسته‌ای، ایران، فصلنامه سیاست خارجی، سال نوزدهم، شماره ۴ و ۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، صص ۵۳۸-۵۰۹.

محمدتقی حسینی، موضوع هسته‌ای ایران: چالش بزرگ، برداشت دوم (سری جدید)، سال پنجم، شماره ۷، پاییز ۱۳۸۷، صص ۱۱۲-۸۷
مهدی ذاکریان، «ایران، خاورمیانه و حقوق بشر آمریکایی»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، سال ششم، شماره ۴ و ۳، تابستان و پاییز ۱۳۸۴، صص ۲۸-۱۳.

مهدی ذاکریان: حقوق بشرو خاورمیانه، تهران، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۸۲، صص ۸-۹۷
احمد زیدآبادی، ایران، مانع روند صلح خاورمیانه یا عامل تسریع آن؟، ۲۰۰۹/۲/۱۵، برگرفته از سایت: <http://www.bbc.co.uk>
فاطمه سلیمانی پورلک، چالش‌های ناشی از کاربرد قدرت نرم در حوزه امنیت ملی ایران، نامه دفاع ۱۵، تابستان ۱۳۸۶، ص ۱۰۲.
حمید معبادی، چالش‌های ایران و آمریکا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۹۲.
محمدرضا ملکی، روابط ترکیه و اسرائیل و آثار آن در آسیای مرکزی و قفقاز، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۷۷.

بهمن نعیمی ارفع، «اثر گذاری کنگره بر سیاست خارجی آمریکا و جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، سال ۵، شماره ۲، بهار ۱۳۸۳، ص ۱۱۲.

بهرام نوازی، کاربرد ابزار تحریم اقتصادی ایالات متحده در برخورد با جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست خارجی، سال نوزدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۴، صص ۴۲۶-۳۸۱.

وزارت خارجه آمریکا، گزارش الگوهای تروریسم جهانی سال ۲۰۰۷، ۳۰ آوریل ۲۰۰۸، برگرفته از سایت: <http://www.america.gov>

محمودیزدان فام، تحریم‌های بین‌المللی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۵، صص ۸۲۰-۷۸۹.

منابع لاتین

Kayhan Barzegar, "Detente in Khatami's Foreign Policy and its Impaction Improvement of Iran – Saudi Relations", Discourse: An Iranian Quarterly, Vol.2, No. 2, Fall2000, pp. 156-157.

Patrick Clawson. " Could sanctions works Against Tehran? ", "Middle East Quarterly, Winter2007

Mehran Kamrava, "The United States and Iran: A Dangerous but Contained Rivalry", The Middle East Institute Policy Brief, No.9, March 2008.

Kenneth Katzman, "Iran: Current Development and U.S. Policy", Congressional Research Service, Foreign Affair, Defense and Trade Division, Update April 25, 2003.

Vali Nasr and Ray Takeyh, "The Costs of Containing Iran", Foreign Affairs, January/February 2008

Henry Sokolski and Patrick Clawson, "Getting Ready a Nuclear-Ready Iran", The Strategic Studies Institute, October2005, pp1- 2 .

The Atlantic Council of the United States, "Thinking Beyond The Stalemate in US Iranian Relations", Policy Review, Volume 1, May 2001.

Onis, Ziya(2007). Turkish Politics in a Changing World Global Dynamics and Domestic Transformations. Istanbul: Bilgi University Press.

- Benli, Altunisik(2008). "The Possibilities and Limits of Turkey's Soft Power in the Middle East". *Insight Turkey*, Vol.10 (2).
- Cetinsaya, Gokhan(2007). "Turkish- Iranian Relations since the Revolution". *Turkish Review of Middle East Studies*, Vol. 26 (2).
- Unger, David(2016). "The Foreign Policy Legacy of Barack Obama". *the International Spectator*, Vol. 51(4).
- Wendy, Kristiansen(2010). "Turkey's Soft Power Successes". *Le Monde Diplomatic*, Vol.4 (7).
- Abdel Maguid, Mohamed(2017). "Arab League Seeks Anti-Iran UN Security Council Resolution". Available at: www.egypttoday.com/Article
- Clinton, Hillary(2011). "America's Pacific Century". Available at: <http://www.foreignpolicy.com/articles>.
- David, Javier E(2017). "US-Saudi Arabia seal weapons deal worth nearly \$110 billion immediately, \$350 billion over 10 years". Available at: <https://www.cnbc.com>.
- Gady, Franz-Stefan(2016). "Iran and Russia Negotiating \$10 Billion Arms Deal". available at: <https://thediplomat.com>.
- Hardy, Catherine(2017). "Saudi Arabia and Russia sign arms deal". available at: www.euronews.com.
- Kasapoglu, Can(2017). "Why Turkey might Buy Russia's S-400 Defence System". Available at: <http://www.aljazeera.com/indepth/opinion/>.
- McInnis, J. Matthew(2016). "Can Saudi Arabia really 'share the neighborhood' with Iran?". available at: <http://nationalinterest.org/blog>.
- Nasseri, Ladan(2017). "Rouhani Urges Saudi Arabia to Avoid Teaming Up With U.S. and Israel". available at: <https://www.bloomberg.com/news/articles>.
- Özkök, Ali & Özkizilcik, Ömer(2017). "Turkey Seeks to Expand its Influence in Syria". available at: <https://rusi.org/commentary>.
- the Guardian(2017). "Iran's President says Saudi Arabia behind Hostility in Region". available at: <https://www.theguardian.com>.
- TRT World(2017). "Turkey's Defence Budget Raised by Nearly 50 Percent". available at: www.trtworld.com/turkey.